



جغرافیا و روابط انسانی، تابستان ۱۴۰۰، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۸۱-۱۴۵

چالش های مدیریت شهری و حق شهر در سیاستگذاری و تمرکزگرایی (شهر پاره)

گونا مهردادانش^{۱*}، لیلا عابدی فرد^۲

۱- کارشناسی ارشد جغرافیا برنامه ریزی شهری (آمایش شهری) دانشگاه پیام نور

gonamehrdaneh@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری جغرافیا برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد تهران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۳۰

چکیده

سیستم اداری در ایران به صورت متمرکز اداره می شود خود این سیستم باعث به وجود آمدن چالش های در اداره کشور به ویژه در حوزه مدیریت شهری و حق شهر با سیاستگذاری بوده است. تشکیل شورا شهر و وظایف شهرداری، به سوی برنامه جدید به سمت تمرکز زدایی در شهرها شروع شده، اما به خاطر سیستم پیچیده و ساختار مدیریتی و سیاست گذاری برنامه ریزی کشور، حق شهر در زمینه تمرکز زدایی توفیقی نداشته و همین امر باعث ایجاد چالش های مدیریت شهری در ایران و شهرها می باشد. حق شهر و شهروند با نگاه سیاستگذاری مدیریتی ایران باعث تکوین بخشهای دولتی و دولت محور نسبت به شهر و حق شهر در مسائل مختلف شهری در ایران می باشد. که استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به انجام رسیده است. که نتایج این پژوهش تمرکز گرایی در ساختار مدیریتی ایران و سراسر شهرها و حق شهر رویکرد بخشی و دولتی و دولت محور به نسبت به مسائل شهر و تضعیف جایگاه شهرداری ها در سیستم مدیریت نیست، در مجموع یافته های، در ساختار تمرکز اداری - سیاسی ایران، مدیریت و برنامه ریزی و مشارکت مردم محلی حق شهر همه جانبه به منظور تمرکززدایی انجام شود برای رفع این چالش، تغییر در نگرش و ساختار مدیریت شهری به عنوان تقویت حکومت محلی و مدیریت یکپارچه و تقسیم قدرت از بالا به پایین و تغییر این ساختار از پایین به بالا می باشد به کار گیری بودجه ریزی مشارکتی در چگونگی هزینه سرمایه های شهر منجر به تحقق به شهر در اداره شهرها شود.

کلمات کلیدی: مدیریت شهری، حق شهر، سیاست گذاری، تمرکز گرایی، چالش مدیریتی، شهر پاره

مقدمه و بیان مساله

برای مطالعه موردی چالش‌های شهرنشینی در کشورمان است، پاره‌ای از عناوین چالش‌های شهرنشینی امروزی در ایران و شهر پاره و برخی از کشورهای دیگر در حال توسعه ارائه شده است. دستاورد مهم بخش مبانی نظری، دریافت چشم اندازی از رخداد شهرنشینی امروزی، با لحاظ تمایزهای اساسی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه و فراهم کردن زمینه استفاده از تعریفی خاص، برای گزینش عناوین چالش‌های شهرنشینی امروزی در شهر پاره است. هشت چالش کلیدی برگزیده شده و در پنج محور اصلی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، سبب‌شناسی، آسیب‌شناسی و فراگیرشناسی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. مطالعه هر چالش، نهایتاً به ارائه راهکارهایی انجامیده است که ویژگی مهم آن‌ها، برخورداری از ارتباط محتوایی با مطالعه انجام شده از لحاظ جوانب فرهنگی، اجتماعی و انسانی به مثابه یک ضرورت و قرارگیری در دو دسته کوتاه مدت و درازمدت و نیز تأکید بر عینیت و قابلیت اجرایی است. شهرنشینی حاصل مجموعه روابط اجتماعی است که انعکاسی از جامعه محسوب می‌شود که شهروندان ب‌نوبی خود حقوق شهروندی را با تعهدات خاصی عطا می‌کند که شامل اعمال قدرت دولت و تعهد پرداخت مالیات و اظهار نامه دولتی است (پرسل ۲۰۰۳ برون^۱ ۲۰۱۰).

رشد مشکلات شهرنشینی در ایران

در بخش دیگری از پژوهش "ضعف مسکن شهری"، "مهاجرت و حاشیه‌نشینی"، "معضل رشد بخش غیر متشکل و غیر رسمی اقتصادی"، "ضعف سرمایه اجتماعی"، "کاستی هویت شهری"، "ضعف طراحی، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری"، "ناکارآمدی نظام حقوق ترمیمی" و "تقص در توسعه پایدار شهری"، از جمله چالش‌هایی هستند که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

"چالش‌های شهرنشینی امروزی در ایران" آمده است: محورهای اصلی مطالعه اکولوژیکی شهر عبارتند از: تعداد، ترکیب و تحرک ساکنین آن چون شدت تحرک و تراکم جمعیت شهری در بازار - مراکز تجاری شهرشهر مرزی و بازارچه - به اوج خود می‌آید. افزایش امکانات و تسهیلات مربوط به حمل و نقل و ارتباطات شهری در ارتباط متقابل و تنگاتنگ با دو عنصر تراکم و تحرک جمعیت، زائل‌کننده انگیزه‌های همسایگی است و به نظر یکی از محققین مسائل اجتماعی همین عناصر مرادف با حضور جرم، طلاق و... چالش‌هایی که در این الحاق می‌توان به آن اشاره کرد برای شهرداری یا مدیریت شهری پاره مطرح شود خلاصه وار به آن اشاره خواهم کرد:

- الحاق شهر پاره و انتظار شهروندان از حق شهر و ارائه برنامه ریزی و مدیریت شهری توسط شهرداری در خصوص خدمت‌رسانی به شهروندانی که با فرهنگ روستا نشینی و تغییر فرهنگ شهرک نشینی

¹ Brown

- ساخت و بافت روستاهای که به شهرک تبدیل شده اند و زیردھباری به قوانین شهرداری تغییر در مدیریت برنامه ریزی آنها و حوزه ساخت و ساز مسکن و سرمایه گذاری و سیاستگذاری مناطق شهری هزینه به شهرداری شهر پرداخت شود و یکی از چالش های مربوط حوزه تفکیک کاربری اراضی در بخش مسکن و ساخت ساز های بر اساس قوانین شهرداری و زباله و آب و فاضلاب ..چالش بزرگی برای شهرداری است
- اشتغال در زمینه کشاورزی باغات روستاهای تابعه و کم رونق شدن دامداری با توجه به فرهنگ شهر نشینی به عنوان فعالیت شاخص روستای که میتوان به عنوان چالش به آن اشاره کرد.
- طبق نقشه شهر پاوه از لحاظ فضا کالیدی و عوارض طبیعی و توپوگرافی و داشتن تپه ماسوره از لحاظ چشم انداز طبیعی زیبا باعث رشد متوازن عرضی که بیشتر به صورت شهرهای خطی رشد طولی را داشته است و خدمات بر اساس شهرداری هزینه بر دار است و نیاز به مدیریت بیشتر و خدمات مضاعف شهری به شهرکها شهر پاوه و محلات شهری جهت پایداری اجتماعی می باشد
- الحاق روستا به شهرک موضوع زمان بر است و وضعیت از نظر ساختاری برابر مقرارت توسط حکمروایی شهری پرسنل های شهرداری متناسب با شیوه تغییر الگو شهر نشینی و ارایه خدمات بر اساس متناسب جمعیت ،ارائه خدمات و ماشین آلات عمرانی در اختیار شهرداری قرار بگیرد و اعتبارات و یوه بر اساس متناسب به جمعیت زمان و فعالیت شهرک نیاز به زمان بیشتر دارد که باعث چالش شهر و حق شهر می باشد
- طرح هادی گذشته این روستا مطابق قانون که اعتبار ندارد یعنی طرح هادی چند سال پیش تمام شده و نیاز به باز نگری بر مصوب قانون شهری توسط سیاستگذاری مدیریت شهری توسط شهرداری یک چالش شهری محسوب می شود .
- بر اساس آمار هنوز امار دقیق در دسترس ولی بر اساس آخرین سرشماری نفوس مسکن در سال ۱۳۹۵ حدود ۱۲ هزار نفر مجموع این چهار روستا و تبدیل آنها به شهرک از نظر جمعیت داشته باشند که ۴۵ درصد جمعیت شهر پاوه اضافه شده است .در صورتی بخش های مرکزی شهر پاوه شهر نوسود و نودسه باینگان و بانه وره مجموع آنها تقریباً این چهار شهر مرزی برابر چهار روستای الحاقی که به شهر پاوه اضافه شده ند و نیازمند به اعتبار و خدمات بیشتر خواهد داشت از لحاظ وسعت هم حدود صد سی هکتار حدود پنجاه درصد سطح موجود پاوه در واقع به شهر جدید پاوه اضافه می شود ، البته این مساحت برابری طرح های قبلی این روستا ها است و قطعا وضع موجود اجرا شده از صد و سی هکتار بیشتر است وزمانی که طرح جامع شهر پاوه جدید تهیه و مطالعه و تصویب شود خود را کامل نشان میدهد.دالت روانی در شهر هستند و متقابلاً شاخص های مناسبی برای اندازه گیری آن نابهنجاری های شهری نیز هستند.می رسد

• یکی از تبعات مهم اجتماعی، تغییرات جمعیتی و خالی شدن سکونت گاههای روستایی از جمعیت، خاصه در روستاهای کوچک و کم جمعیت مناطق مرزی است. باید توجه داشته باشیم بر اساس سرشماری ۱۳۹۵، از کل جمعیت ۶۰،۴۳۱ نفری شهرستان پاوه، ۳۶،۱۰۳ نفر در نقاط شهری و ۲۴،۳۲۸ نفر در سکونت-های روستایی زیست می کنند. بنظر میاد این تعادل نسبی جمعیت شهری و روستایی در سطح شهرستان، یکی از مزیت های توسعه شهرستان است. بدین معنا که از یک طرف هنوز روستاهای ما دچار مرحله سرریز جمعیتی نشده اند و توان های توسعه ای برای این تعداد از سکنه (بشرط بهبود زیرساخت های ارتباطاتی، آموزشی و بهداشتی...) در آن ها موجود است و دوم اینکه بخاطر شرایط توپوگرافی شهر پاوه، هر گونه مهاجرت گسترده و بی رویه فشار مضاعفی بر حوزه های گوناگون می گذارد (مانند گرانی مسکن، آب شرب، فاضلاب شهری، فضای سبز، ترافیک، بی نظمی اجتماعی، فشار روانی، شیب تند زمین، تخریب محیط زیست و بسته شدن بازارچه شهر پاوه ...). از منظر دیگر در حال حاضر از ۵۰ سکونت گاه روستایی حوزه شهرستان، ۶ سکونت گاه خالی از سکنه شده و مهاجرت این روستا به شهر پاوه روند جمعیتی دیگر مناطق نیز حاکی از میل به مهاجرت به شهر پاوه دارد و در شهر پاوه سکونت داشته اند. بطوریکه در بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، نرخ خالص مهاجرت از مناطق روستایی به شهر پاوه ۹/۲ درصد بوده است. در صورت بی توجهی به توسعه سکونت گاه های مرزی و ایجاد اشتغال بر اساس امکان ها و ظرفیت های موجود در آینده نه چندان دور تعدادی دیگری از مناطق خالی از سکنه خواهند شد. نباید از یاد ببریم که ارتباط تنگاتنگی بین امنیت و جمعیت وجود دارد و هر جا که جمعیت ساکن است امنیت از نظر زیرساخت خدمات که نیاز اساسی یک روستا می باشند نیز در آن حاکم است. لذا علاوه بر نهادهای توسعه ای، در سطح حاکمیت نیز این موضوع و توجه مضاعف به توسعه مناطق مرزی از اهمیت دوچندان برخوردار است.

ظرفیت ها به عنوان بخش مهمی از آمارهای اشتغال مورد بهره برداری قرار می گیرد. مسئله اصلی بهره وری پایین و عدم ثبات اشتغال در این بخش هاست. مسئله دیگر اینکه علی رغم اقدامات، برنامه ها و سیاست گذاری های سازمان های ذی مدخل در پیاده نمودن برنامه هایی مانند صدور کارت پیلهوری، کارت مرزنشینی روستاییان، تعاونی های مرزنشینان، بازارچه های موقت، بازارچه های مرزی و ...، معضلات اشتغال ساکنان همچنان باقی مانده و حتی می توان گفت که در مواردی این سیاست ها نابرابری ها را تشدید نموده اند. این دو مورد موجب بحث منطقی توسعه مناطق مرزی با این سیاست ها، ظرفیت های موجود را به حاشیه رانده است. شاید توضیح بیشتر در این زمینه ما را به سمت راهکارهای عملیاتی رهنمون سازد. مرزبندی مراتع و جنگل ها بر اساس مرز روستا، شیب اراضی، کمبود اراضی مسطح و عدم صرفه اقتصادی، ایجاد خانه باغ ها، گسترش سرمایه داری مستغلاتی و ... از جمله مهمترین عواملی هستند که کشاورزی و دامداری منطقه را به اضمحلال کشانده اند. نکته مهم کمبود زیرساخت های کشاورزی و دامداری است. وجود انبارها،

سردخانه ها و صنایع تبدیلی برای نگه داری و فراوری محصولات کشاورزی و دامی از ملزومات مهم این صنعت به نسبت پایدارتر در قیاس با فعالیت های مرزی است. با توجه به پتانسیل های شهرستان در حوزه تولیدات باغی و دامی و شیلات، این زیرساخت ها موجب شده است که فعالیت ها به شیوه ی سنتی انجام شود و بازدهی تولید محصولات هم پایین باشد. در این زمینه باید توجه داشت توجه به زنجیره ارزش یک امر حیاتی است که در صورت نبود آن هر نوع سیاست و سرمایه گذاری را با شکست مواجه می کند. در حال حاضر محصولات خوب و ارگانیکی در سطح شهرستان تولید می شود اما متأسفانه فرآیندهای فرآوری، تبلیغات و بازار آن با ضعف های بسیار جدی روبرو است. این امر قبل از هر چیز مستلزم برندسازی و سپس دیپلماسی اقتصادی به بازارهای بیرونی و از جمله عراق است. ما شاهد هستیم محصولاتی مانند توت، انار و فراورده های آن، گردو و ... در همان قالب سنتی به بازار عرضه می شود که این شیوه رفتار اقتصادی منطبق با بازار امروزی نیست.

توسعه در شهر پاوه، با توجه به شهر پاوه به عنوان یک نقطه مرزی، دارای ظرفیت های پرشماری است که سعی می شود در حد بهره مندی از نخبگان، کارآفرینان و متخصصان امر توسعه؛ شواهد حاکی از آنست در سطح شهر پاوه که یک شهرستان پاوه، خوشبختانه این امر مهم موجودیت و موضوعیت دارد. استفاده از استراتژی ادغام در ساختارهای اجرایی کلان؛ یک واقعیت اینک امروز امر توسعه در ایران بستگی به سهم شما در ساختارهای تصمیم گیری و اجرایی دارد. مشکل اساسی شهرستان این است که در سطح استان از ظرفیت های مدیریتی محروم و متعاقب آنکه توسعه نیز کمترین بهره مندی را دارد. وضعیت حادث شده مسئولیت مدیران اجرایی در سطح شهرستان و دیگر دلسوزان مانند امام جمعه محترم و نماینده محترم. شورا شهر را نیز طی این سال ها دشوارتر نموده، چرا که انگار جریان بهره مندی از مزایای توسعه و کاهش نابرابری ها پیگیری مطالبات مردم از این ناحیه قابل پیگیری است و این امر فشار مضاعفی را بر آنان تحمیل می نماید. لذا یکی از مهمترین ظرفیت های برون زای توسعه برای شهرستان حضور پررنگ تر در مدیریت استانی است.

یکی از چالش های شهرستان پاوه به مانند سایر شهرستانهای استان، فقدان نقشه راه توسعه شهرستان است. بالاخره اگر بنا بر توسعه پایدار شهرستان داریم بایستی هر چه سریعتر با به کارگیری تمامی ظرفیت های علمی و دانشی موجود به طراحی این نقشه پردازیم تا بتوانیم آینده خوب و روشن، شناسایی، معرفی و عرضه ظرفیت ها داشته ایمان به سرمایه گذاران ضعیف عمل کردی مزیت های الحاق روستا های الحاقی به شهر پاوه

۱- ساخت سازها با وجود این الحاق زیر نظر شهرداری و مجموعه مدیریت شهری و تمرکز گرای حق شهر پاوه تاحدود زیادی ضابطه مند می شوند.

۲- حفظ کاربری باغات موجود؛ در واقع با آوردن این باغات به طرح جامع شهری آن مقدار از باغات که در طرح جامع قرار می گیرند حفظ کاربری آن در وظایف شهرداری قرار خواهد گرفت و سازوکاری برای آنها تعریف خواهد شد در واقع به نوعی شناسنامه دار می شوند و کاربری باغی و حفظ آن به عهده شهرداری خواهد بود.

۳- جلوگیری از حاشیه نشینی خود به خود با الحاق این روستاها ما عملاً حاشیه نشینی در اطراف پاره را نخواهیم داشت، این هم یکی از مزیت های این الحاق است.

۴- توزیع عادلانه کاربری ها و خدمات عمومی ها با این الحاق ها که صورت گرفته تمام این روستاها به عنوان یک مجموعه واحد شناخته می شود و باید کاربری عمومی خدماتی به صورت عادلانه و برابر در طرح جامع جدید توزیع شود. و ارائه عدالت فضایی در سطح کل شهر پاره و محلات شهری موجب پایداری اجتماعی و عدالت فضایی شهری می باشد.

۵- ایجاد ارزش افزوده برای املاک شهروندان محله های الحاقی که مزیت های این الحاق به شمار می آید.

۶- به عنوان بعد اجتماعی به مزیت ها اشاره نمایم تناقضات و اختلاف های جزئی که از قبل داشتیم یعنی مجموعه این روستا با خود شهر پاره به عنوان شهر جدید شناخته می شود یعنی کاملاً منافع همه یک سو و یک جهت خواهد بود و مضرات هم همچنین برای همه یک چیز واحد است یعنی یک نوع وحدت بهتر از گذشته میان شهروندان این شهر جدید انشالله ایجاد خواهد شد که قدرت و پتانسیل بزرگی برای شهر پاره است.

۷- اثرات درازمدت این الحاق می توان به آن اشاره کرد کاهش ترافیک مرکز شهر پاره است یعنی خود به خود با ایجاد یک سری خدمات در این مناطق الحاقی دیگر نیازی به مراجعه به مرکز شهر برای رفع نیاز های خود وجود ندارد و در نتیجه تردد به مرکز شهر کمتر خواهد شد در زمینه رفع ترافیک مرکز شهر پاره در دراز مدت با درست کردن امکانات خدماتی در مناطق الحاقی میتواند مزیت باشد اثرات قبل از الحاق دوره پنجم روستای دوریسان هیچ کاندید شورا شهری نداشته البته بخاطر اعتراض به تاخیر در الحاق به شهر و خواستن زودتر این اتفاق بیفته اما ۴ سال روستاشون سوخت، کمترین خدماتی بهشون شد

در یک شرایط فرهنگ سازی حق شهر و شهر وندی متعادل سمن ها و تشکلهای خودجوش و مشارکت مردم محلی مردمی بهترین و موثرترین شرکای شهرداریها در اداره بهتر شهر می باشند چراکه اینگونه تشکلهای فضایی را فراهم می آورند تا بهترین خدمات بدون هیچگونه هزینه ای برای مدیریت شهری فراهم شوند.

البته شرط لازم برای تحقق این فرایند وجود ساختار مشارکت پذیر و در مدیریت شهرها می باشد که فعلاً این سازوکار در شهرداریها وجود ندارد ممکن است مدیران شهری حق شهر این خواسته را داشته باشند اما ساختار خشک و غیر

قابل انعطاف شهرداریها این اجازه را نمی دهد در صورتی قانون شهرداریها که اساس کار شهرداری بر اساس آن انجام می شود مصوب ۱۳۳۹ بوده و هنوز به صورت اساسی تغییر نکرده است

مردم در بستر زمان به دلیل مشاهده عملکرد جانبدارانه و تبعیض های ناروا و همچنین وجود لایه های غیر شفاف در عملکرد شهرداری اعتماد خود را به این مردمی ترین نهاد مدیریتی از دست داده اند و مهمترین رسالت شهرداریها هم اکنون تلاش در جهت بازسازی این اعتماد است اگر بین عامه مردم و مدیریت شهری اعتماد دو طرفه ایجاد گردد آن وقت زمینه برای مشارکت فعال و اثربخش تشکلهای سازمانهای مردمی در شهرداریها فراهم می گردد و این مشارکت می تواند از مدیریت محلات تا برگزاری همایش های فرهنگی در سطح کلان را شامل گردد. برای این اولین بار شورا یاران محلات تشکیل شدند و بستر گفتگو بین مردم و متولیان مدیریت شهری فراهم گردید همایش های مختلف در مدت کوتاهی برگزار گردید مشارکت مردم در امور عمرانی شتاب خوبی گرفت به طوری که در مدت کوتاهی حدود ۹۰ کوچه در محلات محروم پله بندی گردید در رویکرد فرهنگی و نامگذاریها با احداث پارک کوچک میدان شهدا و نامگذاری آن به نام جهان آرا خانم پاوه ای کلید خورد و.....

چالش بند مرتبه سازی، ساخت و سازهای غیرقانونی در این شهر هستید؟ آیا اطلاع دارید که افرادی با قلدری تمام علیرغم اعتراض مکتوب اهالی محل در حال بلندمرتبه سازی ۶،۷،۸ و... طبقه در داخل شهر پاوه هستند و کسی هم کاری به کارشان ندارد؟ ساخت آپارتمان ۶ طبقه با رمپ و گودبرداری در کوچه چهار و پنج متری در بافت پلکانی پاوه آیا خیانت نیست؟ بلندمرتبه سازی باید به قیمت دفن چندین منزل دیگر و سلب آرامش یک محله انجام شود؟ آنچه واضح است در این شهر کسی خود را با این افراد که بعضا با قلدری کار خود را پیش می برند درگیر نمیکنند که از خود هزینه نکنند، اما کسانی که در این حوزه مسئولیتی دارند یا باید از خود مایه گذاشته و مقابل این بی عدالتی ها بایستند و یا کنار گذاشته شوند تا افراد شایسته جای آنها مشغول بکار شوند. برآستی روند روبه رشد ساختمان های چند طبقه که همچون قارچ از تمام نقاط شهر سبز شده اند بی نظمی زیادی را در بافت پلکانی پاوه ایجاد کرده و تداوم این وضعیت برای پاوه در آینده نزدیک مشکل ساز و به معضلی تبدیل خواهد شد.

فاکتورها و عوامل کارآمدی شورای اسلامی شهر :

■ مهمترین فاکتور و عامل کارآمدی شورا انتخاب "شهردار"ی بر اساس فاکتورهای شایسته سالاری است نه بر پایه تصمیمات سیاسی و محدودنگرانه ... یک شهردار شایسته و توانمند منتظر بودجه اندک دولت نمی ماند و تنها به اخذ عوارض دلخوش نمی کند؛ بلکه به دنبال جذب سرمایه و سرمایه گذار از بخش های گوناگون و به ویژه بخش خصوصی می رود و پیمانکاران بزرگ را با سرمایه گذاری این بخش پای کار می آورد. لذا انتخاب شهردار اصلح و شایسته که توان چانه زنی و هم افزایی میان مدیریت شهری و بخش های دولتی و خصوصی را داشته باشد، خدمت بزرگی است که از شورای شهر برمی آید.

تخصص و دانش نظری لازمی عمل ماندگار و موثر شورای شهر است. بنابراین یک شورای خوب باید دارای اندیشه‌ها و ایده‌های نو و تفکر توانا در حل مسائل باشد. تمام اقدامات و برنامه ریزی‌ها متکی بر بررسی مطالعات جامع و کافی باشد.

تصور شهر بدون مردم تصویری محال است، لذا تمام هم و غم شورای شهر باید برنامه‌ریزی برای مدیریت شهر بر پایه‌ی نیازها و اولویت‌های مردم باشد. لازمی موفقیت در این زمینه مردمی بودن شورا و از میان مردم برخاستن آنهاست. بنابراین یکی از فاکتورهای مهم و عمده در موفقیت شورا، مردم محور بودن آن است.

ویژگی‌هایی مانند عمل‌گرایی، برنامه‌محور بودن و داشتن توان و تجربه کافی شرط لازم و ضروری برای یک شورای شهر فعال، موثر و کارآمد است.

مطالبه‌گری شهروندان عاملی مهم برای کارآمدی شوراها خواهد بود

همه این سالها این محدود کردن شهر پاوه به موقعیت فعلی شهر، به نظر من و شاید بسیاری شهر پاوه باید از نسبه تا کل هلوپار باشد، از ویمیر تا خانقاه از چاوگ تا بیار... موقعیت پاوه رود مرزی بودن شهر پاوه کمربندی خارج از محدوده شهر شهر های مرزی نیازمند می باشد در عین حال باعث کم شدن ترافیک در مرکز شهر خواهد شد

در این صورت می توان از جنگل ها و باغ های شمشیر رود و پاوه رود تا دامنه های کوه آتشفشان و شاهو برای توسعه و سرمایه گذاری و برنامه ریزی در شهر پاوه استفاده کرد، روستاهایی که همین امروز ساخت و سازشان بیش از شهر پاوه است و در آینده ای نه چندان دور، مشکلات و عدم نظارت ها گره ای کور بر برابر مدیریت شهری پاوه.... در چنان محدوده ای می تواند برای یکصد تا دویست هزار نفر برنامه ریزی شود!

می تواند پروژه هایی در همه این محدوده توسط بخش خصوصی همچون، و بالا برنده های هوشمند برای کوچه های بیش از چند پله تله کابین، تله سیژ و زیپ لاین بر روی باغ های پر از خانه باغ و گردشگر این منطقه در نظر گرفت با کمک و مشارکت محلی و سرمایه گذاری بخش خصوصی گردشگری را عاملی برای خلق ثروت در شهرداری پاوه تصور کرد

موضوع دیگری که در شورا شهر وجود دارد. بحث فرهنگی است، کارهای زیادی در بحث فرهنگی صورت گرفت، بودجه فرهنگی در این دوره شورا نسبت به دوره های قبلی بیشتر شده است و کمک به سمن ها در این دوره بیش از قبل بوده است. شهرداری پاوه بودجه و اعتبار بسیار کمی دارد، و دلیل آن کم بودن درآمد است، اعتبارات دولتی هم در سال جاری تقریباً قطع شده است بودجه دولتی پارسال هم بسیار کم تخصیص یافت. اما با این درآمد کم سعی گردید از این در آمد کم بصورت هدفمند استفا ده نماییم. آنچه که در این زمینه شاید برای همه ملموس باشد، با وجود تاکید همه ما برای پیاده روی بجای استفاده از خودرو در پاوه جهت رفع مشکل ترافیک تاکید می نمایم ولی عملاً پیاده رو

در پاوه وجود نداشت. پیاده رو های شهر پاوه را ترمیم نماید. در پاوه بحث ترمیم پیاده رو مطرح نیست! در واقع در این پروژه عملاً پیاده رو ایجاد گردید. دلیل این امر هم شکل دیوار ها و کوچه ها در شهر بود که گاهی برای ایجاد سه متر پیاده رو نیاز به احداث دیوار و ترمیم کامل یک کوچه بود. به هر حال هرچند کار هنوز تمام نشده است اما به هر حال تا اینجا کار مفید و خوبی انجام شده است و مورد رضایت مردم است. تلاش گردید از درآمد ناچیز شهرداری بخش زیادی جهت اتمام و به سرانجام رساندن این پروژه هزینه شود. ایجاد پارک بانوان و پارک کودک با توجه به نیاز روز افزون جمعیت شهر نشینی و امنیت برای بانوان که از زندگی روزمره برای رفع خستگی به سمت دوستان خود چنین محدوده کنار بچه های خود هستند و هم محدوده مجزا می توان بر آنها ایجاد کرد. مثلاً آشپزی در فضای باز به صورت جشنواره بانوان یا ورزش محلی بانوان در چنین محدوده های نیازمند زیر ساخت و مکان یابی مناسب می باشد موضوع دیگری که می توانم اشاره کنم بحث زمین های شهرداری است، معمولاً رسم بوده است جهت تامین حقوق و اضافه کاری پرسنل زمین های شهرداری فروخته می شد. شورای پنجم در این زمینه مقاومت نموده است جز در یک مورد که دقیقاً در مصوبه ذکر شده است، فروش برای گاز سوز نمودن کارخانه آسفالت یا برای معابر شهرک کارگاهی هزینه شود. یعنی فروش زمین برای بازدهی بالاتر بوده است نه صرفاً تامین حقوق پرسنل شهرداری.

کار دیگر که می توانیم اشاره کنیم تعدادی ماشین الات جدید نیز در این دوره برای شهرداری پاوه خریداری شده است، کمپرسی و ماشین آتش نشانی و ...

کارهای مهم دیگری نیز انجام شده است، که به دلیل اجتناب از طولانی شدن موضوع خیلی به آن ها نمی پردازم، مانند آسفالت برخی کوچه ها و خیابان ها، پله بندی و دیوار بندی کوچه هایی که مدت ها بود مورد بی مهری قرار گرفته بودند اما گاهی آدم احساس می کند هرچه آدم می خواهد کار کند به عمد اجازه کار را نمی دهند

موفقیت شهرداری، عمران و آبادانی شهر ارتباط مستقیمی با درآمدهای شهرداری دارد. به نظر وضعیت درآمدهای شهرداری مناسب نیست، فقیرترین شهرداری استان کرمانشاه را در وصف شهرداری پاوه شنیده ایم، شما هم به این توصیف معتقد هستید؟

بله در حال حاضر شهرداری پاوه فقیرترین شهرداری استان شاید باشد، اما این گونه عرض کنم، شهرداری پاوه کارخانه آسفالت دارد، سنگ شکن دارد، دستگاه پخش آسفالت غلطک و ماشین آلات مناسب در این زمینه را دارد، زمینهای مناسب و خوب بسیاری داشته و دارد، بسیاری از این زمین ها فروخته شدند، اما باز هم زمین های خوب و مرغوبی در اختیار دارد، به عنوان نمونه در مرکز شهر پاوه حدود ۴ هزار متر زمین مناسب دارد، در ترمینال قدیم زمین وسیعی که در بهترین نقطه شهر قرار دارد در اختیار دارد و چندین زمین دیگر در اختیار دارد و پتانسیل های بسیار زیادی در این زمینه وجود دارد در همین خلاصه این موضوع را خدمت شما عرض می کنم که شهرداری پاوه نه تنها فقیرترین نیست که از قویترین شهرداریهای استان می تواند باشد به شرطی که بتواند این امکانات جمع و استفاده شود

و در مسیر درست و مناسب قرار گیرد به هر حال با همه قابلیت هایی که در شهر پاوه وجود دارد و بعنوان مثال پارک ها و زمین های مناسبی را از منابع طبیعی مثل زمین های ویمیر و قلاذزه در اختیار بگیرد و استفاده کند ولی متأسفانه به هر حال شرایط در شهرداری پاوه به گونه ای شده است که برای پرداخت حقوق پرسنل و دچار مشکل می باشد!

در زمینه توسعه شهر پاوه، که جمعیت آن به مراتب بیشتر شود چون یکی از مواردی که باعث می شود شهر مورد توجه باشد و توسعه یابد وجود جمعیت بیشتر در آن شهر است اما توسعه درست و منطقی.

الحاق چهار روستا در این زمینه گیر و مشکلاتی وجود دارد که نوع مشکلات به ما هم اعلام نمی شود قسمت زیادی از کار انجام شده است برای الحاق روستاها با مدیریت برنامه ریزی حق شهر با سیاستگزاری محقق می شود در هر حال این موضوع از کانال شورا عبور کرده است و مربوط به شورا نمی باشد و این بحث مربوط به وزارت کشور است که قاعداً باید توسط فرماندار پیگیری و اطلاع رسانی شود..

این پتانسیل هایی شهر پاوه باعث توسعه همه جانبه شهر گردد و حجم زیادی مسافر و پول به این شهر وارد شود این شهر در زمینه گردشگری پتانسیل بسیار زیادی دارد در این زمینه می تواند رونق زیادی داشته باشد از لحاظ منابع خدادادی از جمله مراتع و پتانسیل های خدادادی دیگر از جمله شهر پاوه مرکز اورامانات و شهر مرزی، با استفاده از این پتانسیل ها مردم شهر ثروتمند باشند و دغدغه اقتصادی نداشته باشند و شهری باشد نمونه که از هر گوشه این کشور دوست داشته باشد به این شهر وارد شوند.

از لحاظ فرهنگی هم این شهر دارای فرهنگی غنی است و می طلبد که از لحاظ فرهنگی هم این فرهنگ باز شناسی شود از نظر اجتماعی سرمایه بسیار قوی در این شهر وجود دارد و مردمی این شهر مردم یکدست بودند و بسیاری از کارهای بزرگ را به واسطه یک رنگی و یکدست انجام می دادند، هر چند در حال حاضر این ویژگی کمتر شده است که می طلبد این سرمایه های اجتماعی حفظ و در این زمینه در اولویت قرار گیرد با وجود چنین سرمایه های اجتماعی شاید هیچ مشکل و کار ناتمامی در این شهر وجود نداشت.

در باره یکی از بندهای " ۱۱ گانه " برنامه به اختصار توضیح بدهم و به سوالات احتمالی شهروندان پاسخ بگویم. "بند ششم" برنامه عبارت است از:

[تلاش مداوم برای «ساماندهی سیمای شهر» و «رفع آلودگی دیداری» از آن با همراهی شورا].

■ اگر بگویم که شهر پاوه غرق در "آلودگی دیداری" است، سخنی به اغراق نگفته ام. از خیابان ها و معابر عمومی بدریخت و غیر استاندارد، تا کانال ها، جداول کنار جاده ای و پیاده روهای پر از زباله و اجناس "شهروندان نامستول" (که گاهی منجر به سد معبر میشوند) تا دیوارهای بی روح و گاهی پر از شعارهای نامربوط و بد خط و رنگ ساختمان های مسکونی، اداری و محل کسب و کار، از تابلو نوشته های بد فرم و نامناسب و بعضاً غیر ایمن تا انواع سیمها و تیرک

های برق و خطوط مخابراتی فضای سبزی کاج های خشن که آرامش روحی روانی از شهر گرفته به فکر فضای سبز و تنوع رنگ در برنامه فضاهای سبز شهری و محلات شهر .. همگی سر و سیمای شهر پاوه را شبیه به یک بیمار "اسکیزوفرن لاقید به سر و وضع خود" کرده است.

این سیمای این منظر نمی تواند و نباید متعلق به شهری باشد که قرار است به "کانون گردشگری اورامان" تبدیل شود و در واقع آنرا "مرکز اورامان" نامیده اند. در یک کلام، این وضعیت قابل قبول نیست و باید با اجرای پروژه های فوری، کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت به آن خاتمه داده شود. "شهر پاوه" با این وضعیت هیچ حرفی برای گفتن در هیچ جایی ندارد. "وضعیت ظاهری" هر شهری (از جمله شهر پاوه)، به نوعی "زبان چهارم" ساکنان آن شهر می باشد. این زبان فعلا برای شهر پاوه یک "زبان فاخر و متشخص" نیست.

زودون این "آلودگی" از سر و وضع و سیمای شهر پاوه، برای من یک "اولویت کاری" است. لازم است تا همه شهروندان ساکن در پاوه در راستای "حفظ سلامت جسمی و روانی" خود و در راستای "توسعه گردشگری پایدار"، به این وضعیت آگاه گشته و برای پایان دادن به آن همکاری و مشارکت جدی بنمایند (برهان، ولدبیگی: ۱۳۹۶)

روسنای نسبه با مرکزیت روستاهای اطراف زنجیره گردشگری روستایی شهرستان در هر کدام از روستاها با راه اندازی بیش از ۴۰ اقامتگاه بوم گردی ۲موزه شهری ۳موزه روستایی یک دفتر خدمات مسافرتی روستایی و یک دفتر شهری بیش از ۷۰ خانه استیجاری و ۷مجتمع گردشگری ۲هتل و ۲۵ واحد پذیرایی در ۱۲ روستای شهرستان و همچنین مواردی از این قبیل در حال تکمیل شدن هستند که البته با وجود سایه سنگین کرونا بر گردشگری داخلی و تحریم بر گردشگری خارجی امیدواریم همانطور که جناب حسینی اشاره کردند نهال گردشگری شهرستان و منطقه در آینده ای نزدیک به ثمر بنشیند البته گردشگری شهرستان در حال حاضر طبق مدل های گردشگری در مرحله شناسایی قرار دارد و امید است با ثبت جهانی اورامانات و برگزاری رویدادها و راه اندازی بیش از ۳۰ واحد دیگر تاسیسات گردشگری در دوسال آتی گام بزرگی برداشته و شهرستان را وارد مرحله هدف نموده و بعنوان یک قطب گردشگری به مناطق مرکزی وصل نمود مزید استحضار اساتید بزرگوار بیشترین گردشگران شهرستان در حال حاضر از استانهای همجوار و خود استان کرمانشاه هستند که این مورد موجب گردیده در حضور گردشگران سهم اندکی از درآمدزایی را به متولیان و متصدیان امر اختصاص دهند.

الگوی متفاوت مدیریت شهری الگوی جهانی مدیریت شهری در کشورهای مختلف با توجه به انواع سیاست های دولت متفاوت است، با این حال کشورهای مختلف در مدیریت و برنامه ریزی شهری خود، محورها و ارکان مشخص شده از سوی سازمان ملل را مد نظر دارند، الگوی مدیریت متمرکز مختص کشورهای در حال توسعه و شیوه مدیریت غیرمتمرکز ویژه جوامی توسعه یافته است. این دساته بناد ی با توجه باه میزان اختیارات مدیران محلی و میزان وظایف آنها در نظر گرفته شده که در هرکدام از این الگوها شهروندان دارای نقش های متفاوتی هستند (Rezaii, ۲۰۰۹),

در هم این ارتباط میان مدیریت محلات در مقابل الگوی سنتی یعنی «الگوی حکومتی» قرار میگیرد. الگوی حکومتی بار مبنای تمرکزگرایی در سطح ملی و تمرکززدایی در سطح محلی، برنامه ریزی بخشی میان مدت، نظام بساطت و انحصار طلبانه دولتی، اقدامات واکنشی و تنظیم کننده وضعی موجود با استفاده از راه حلهای استوار بوده است (McGill 2001:464). در این رویکرد، تفکر بخشی در مقابل ماهیت بین بخشی شهر قرار میگیرد. در شهرها سیاستهای کلی از مراکز تصمیم گیری صادر و توسط سازمانهای محلی به اجرا در می آید و یا اینکه در برنامه ها و طرحهای شهری به کار گرفته می شود

در مجموع، با توجه به آنچه که بحث شد، میتوان چالشهای تمرکزگرایی در نوع مدیریت شهری را در قالب مدل مفهومی زیر بیان کرد. شهرنشینی مساله مهمی از روابط اجتماعی که انعکاسی از جامعه محسوب میشود. ماهیت ارتباطات در جامعه موجب شده تا حق ساکنان بر شهر امری مهم تلقی شود. شهروندی به افراد حقوق و تعهدات خاصی اعطاء می کند که شامل داشتن صدایی در اعمال قدرت دولت و تعهد به پرداخت مالیات و اظهارنامه دولتی است (پرسل، ۲۰۰۲؛ برون ۲۰۱۰)

از دید پرسل، حق یک شهر با دیدگاه و ماهیت شهر و شهروند بودن را به عنوان چالشی مهم پیشروی شهرها قرار داده و شهر را مهمترین الیه تصمیم سازی و سیاستگذاری مکانی که در آن ارزش اجتماعی فضاهای شهری با ارزش مبادلهای آن برابری و عدالت فضایی را معرفی میکند (پرسل، ۲۰۰۲: ۱۰۲؛ رفیعیان، الوندی پور، ۱۲۱۱: ۲۱).

به لحاظ پیشینه ی تاریخی، طرح مفهوم شهر و مطالبه گری آن در ادبیات شهری مجموعه از چالش و بحرانهای شهری که در واکنش به محدود کنش گران و تصمیم ساز در باره مسائل شهر پایدار شد. یک رخداد شهری در زمانهای مختلف باعث «سیاستگذاری شهری» و یکی از شاخصه های سیاستگذاری عمومی و اجتماعی در برنامه ریزی شهری رضایت یا عدم رضایت مطرح شود (نک به کاکرینن ۱۳۸۷: ۳۲؛ کاستلیز، ۱۹۷۷: ۶۳؛)

هدف این مقاله شناسایی چالشهای شهری و مفهوم حق به شهر در ارتباط با سیاستگذاری شهری و درک ارتباط این دو در یک ظرف مشترک، آغاز و پیش درآمد ورود به معیارها و در ادامه عملیاتی نمودن آن در تحقیقات کاربردی مرتبط به موضوعهای شهری و عملی درباره بایدهای حق به شهر در سیاستگذاری و برنامه ریزی مسائل شهری است. بررسی چستی حق به شهر و سیاستگذاری شهری از بعد نظری و مفهومی برآمده از ادبیات این حوزه و استخراج و تحلیل معیارهای حق به شهر در سیاستگذاری شهری با توجه به ادبیات موجود مد نظر است.

پژوهش حاضر به دنبال مطالعه و فهم دقیق حق به شهر در سیاستگذاری شهرها در بعد ایده و عمل و در نهایت

¹ Purcell

مدلسازی این دو در کنار هم است تا درک روشنی از بایسته های حق به شهر در سیاستگذاری و برنامه ریزی شهری صورت گیرد.

الف) حق به شهر

هانری لوفور در سال ۱۹۶۸ شعار حق به شهر را معروف کرد. شعار وی بسیار نقش تحریک کنندگی در طی بحرانهای شهری فرانسه داشته است. بهترین تعریفی که لوفور از نحق به شهر «ارائه داده آن است که حق به شهر، حق فریاد و تقاضا است. این حق ابعاد گستردهای دارد که شامل: حق دسترسی به اطلاعات، حق استفاده از خدمات متعدد، حق استفاده کنندگان در ساخت ایده‌هایشان درباره زمان و فضا برای فعالیت در مناطق شهری همچنین حق استفاده از نقاط مختلف شهر است. و تعریف حق به شهر مفهومی جمعی تلقی می شود (لوفور ۱۹۹۱، ۳۴؛ مارکوس، ۱۸۹: ۲۰۰۹).

تلاش برای تغییر شهر از طریق کنش اجتماعی منجر به توسعه حوزه های جدیدی از حقوق انسانی مانند حق تحرک (حمل و نقل عمومی)، حق داشتن محیط پایدار و سالم، حق مشارکت سیاسی در سطح محلی، حق سلامت حق عدالت اجتماعی شده است (کمپین رایر، ۲۰۱۱: ۲). حقی که مطابق آن تغییر شهر به میل و خواست شهروندان رخ میدهد (هاروی، ۲۰۰۱). در واقع حق به شهر یا آنچه لوفور حق به زندگی در شهر نامیده است، بیش از اینکه ادعای ساده وابستگی سرزمینی باشد، مطالبهای اجتماعی است. به نظر لوفور، مسئله شهری تنها به مرزهای یک شهر محدود نیست بلکه شامل نظام اجتماعی تولید نیز است بنابراین، حق به شهر ادعای به رسمیت شناختن شهر به عنوان بازتولید کننده روابط اجتماعی قدرت و حق مشارکت در آن است. دیدگاه هانری لوفور از حق به شهر تقاضا برای عدالت اجتماعی را گسترش داد (ادول اتو، ۱۰۱۴: ۴). چگونگی توزیع سود و زیان محیطی بین افراد طبق اصول خاصی نظیر برابری، نیاز، ارزش ذاتی، قدرت پرداخت و کمک بالقوه مطرح شد (لینچ، ۱۳۸۱: ۱۵۳). این در حالی است که به اعتقاد هاروی، هر تغییر در فضای شهری میتواند تأثیر ماندگاری بر نابرابریهای موجود در شهر به جا گذارد و هر اقدام توسعه ای در فضای شهری با عدالت اجتماعی ارتباط مستقیم دارد (هاروی، ۱۳۷۶).

نگاه به شهر و شهروند از دریچه مفهوم حق به شهر مؤید این واقعیت آشکار است که تعلق یافتن به شهر با حرکت در شهر، حضور در آن، احساس آرامش و داشتن فضاهای مناسب برای خود ممکن می شود در حالی که مشارکت در شهر با دخالت داشتن در سیاستگذاری شهری، تصمیم گیری در مورد مسائل فضایی، کالبدی و اقتصاد شهری و مالکیت و کنترل بخشی از این فضا ممکن می شود (رهبری، شارع پور، ۱۳۹۳: ۱۱۸). به همین دلیل، حق شهروندیت شهری نسبت به حق شهروندی، تصمیمات بیشتری را در امور شهری زیر نظارت شهرنشینان قرار میدهد؛ مثال این که در کجا سرمایه گذاری شود، شغل‌های جدید ایجاد شود، خط‌های حمل و نقل عمومی جدید راه اندازی شود، مسکن جدید ساخته شود

¹ Marcuse

و هر تصمیم دیگری که به طور برجسته‌های به تولید فضا در شهری که در آن ساکنند، مربوط باشد (پرسل، ۲۰۰۲؛ معروفی، وحیدی برجی، ۱۳۹۴، ص ۷). در مولفه های حق به شهر مفهوم «تصمیم سازی» موضوع محوری است که ارتباط میان شهر و شهروند به واسطه آن قابل درک و لمس است.

برای فرناندز حق به شهر شامل حق همه ساکنان شهر برای لذت بردن از همه خدمات و مزایا- حق سکونت- و همچنین حق مشارکت مستقیم در مدیریت شهرها است (فرناندز، ۲۰۰۷: ۲۰۸) عبارتی، به عنوان یک حق برای بیان عقیده شخصی درباره فرایندها و فضاهای شهری و این که چطور آنها زندگی در شهر را به مثابه حق مشارکت فعالانه در شکلگیری مجدد این فرایندها و فضاها شکل میدهند، مطرح است (لوفور، ۱۹۹۱؛ پالاشتیون، ۲۰۰۹: ۸۶) مثال حق به مرکزیت حق دسترسی به مرکز شهر حقی است که لوفور (۱۹۹۶) آن را این چنین توصیف میکند: حق به شهر که با حق به تفاوت و حق به اطلاعات کامل شده است، باید حقوق شهروند را در مقام یک ساکن شهر و استفاده کننده از خدمات متعدد بهبود بخشد، فعلیت دهد و عملیتر سازد. این کار از یک طرف، حقوق استفاده کنندگان برای شناساندن ایده‌هایشان درباره فضا و زمان فعالیت‌هایشان در حوزه شهری را تصریح خواهد کرد و از طرف دیگر در حق استفاده از مرکز مکانی ممتاز خواهد بود، به جای پراکندگی و گرفتار بودن در حلی آبادها برای کارگران، مهاجران، محرومان و حتی برای ثروتمندان (برنر، مارکوزه، ۱۳۹۶: ۱۶-۱۵).

امکان تحقق و عنیت یابی حق به شهر بیش از هر چیز مشروط به کاربست عملیاتی مشارکت شهروندان در روندهای تصمیم گیری درباره شهر است. ابعاد مشارکت در شهر عبارتاند از:

تصمیم گیری شهری: تصمیم گیریهای کلان شهری در چارچوب اقتصاد سیاسی نظام سرمایه داری و توسط سران سرمایه که عموماً سران سیاست نیز هستند صورت گرفته است. اما جغرافیای شهری کنونی تنها ناشی از رابطه ی میان جایگاههای تولیدی نیست، بلکه جایگاه بازتولیدی مردان و زنان نیز در ساخت آن نقش داشته است (کوهن، و لپ ۱۹۷۸: ۷ به نقل از شارع پور، ۱۳۹۵: ۵۹).

تولید فضا: این مفهوم نقشی کلیدی در نظریه لوفور (۱۹۹۱) دارد و در کتابی تحت عنوان تولید فضا یاد میکند، فعالیت سیاسی در بازپس گیری شهر برای شهروندان از نظر نظامی بر اساس مصرف شهروندان و سود دهی بیشتر، را از آن خود کرده است. این مفهوم اشاره به حرکتی فردی و سیاسی برای شهر و فضای آن دارد.

میشل (۲۰۰۳) معتقد است که فضای عمومی فضایی است که در آن میتوان تقاضای مردم برای حق به شهر را مشاهده کرد، لذا با تحلیل روندهای فضاهای عمومی می توان به تصویری از حق به شهر دست یافت (شارع پور، ۱۳۹۵: ۵۹-).

¹ Purcell

² Plyushteva

۶۰) لوفور تصویر چند بعدی از فضا را نشان می‌دهد که در آن فضا بیش از یک موقعیت جغرافیایی، برنامه ریزی و توسعه ی محیط فیزیکی، ساختار ذهنی یا کالا است. از این رو، فرایندهای فضایی مستلزم تولید و بازتولید همه جنبه-های زندگی شهری است. (استروس، ۲۰۱۷-۷۶-۷۷) به عبارتی، دیگر در باره تصمیم‌گیری کاربری زمین و فضاهای شهری توسط سیاستگذاران و تصمیم‌سازان شهری با حقوق شهر وندی گره می‌خورد. همانطور قانون توسعه شهری باعث پیش رفت حق به شهر نیازمند تغییرات اساسی در پوشش‌های ساختاری است که فضای شهری تولید می‌کند. در صورتی نیرو بازار آزاد بر فضای شهری مسلط هستند (و تا حد زیادی به آن‌ها شکل می‌دهند) اگر تغییراتی در آنها اعمال نشود حق شهر، برای کسانی که نمی‌توانند از فضاهای تحت سلطه استفاده کنند در صورتی بعضی از افراد نمی‌توانند آزاده حق خود به شهر اعمال کنند، به عنوان یک شعار فریبنده آرمانی و جذاب ولی دست نیافتنی خواهد بود ریشه اساس ساختاری و نهادمند در یک جامعه بستر مناسب زیر بنایی بکارگیری مؤلفه حق شهر در سیاستگذاری و تصمیم‌سازی شهری را فراهم می‌کند در غیر این صورت حق شهر به صورت یک شعار باقی خواهد ماند. (گونواردا و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۸۱).

سیاست‌گذاری شهری شهری و حق به شهر موجب پیچیدگی لایه در سال‌های اخیر توجه آن بیشتر به مفهوم حق به شهر وارد گفتمان دانشگاهی شده و سازمان‌های بین‌المللی نظیر یونسکو و هیئت ملل متحد مشترک پروژه ای پژوهشی به عنوان سیاست‌های شهری و حق به شهر آغاز کرده اند که بیشتر هدفشان به توسعه هزاره ملل متحد و کاهش فقر شهری از طریق نیروی انسانی آموزش دیده از طریق قانونگذاری و برنامه ریزی شهری کسب مشارکت زنان، جوانان، مهاجران در مدیریت شهری است (برنز، ماکوزه، ۱۳۹۶: ۱۳).

سیاست‌های شهری و حق به شهر در سال ۲۰۰۸ به عنوان محور اصلی سازمان ملل حق شهر شناسایی شده است شامل ذیل می‌باشد

- ۱- دسترسی به فرصتهای زندگی و مسئولیتهایی جهت تسهیل دسترسی این حقوق،
- ۲- شفافیت، عدالت و اثربخشی حکمروایی شهری،
- ۳- مشارکت و احترام به تصمیم‌گیریهای دموکراتیک محلی،
- ۴- به رسمیت شناختن تنوع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زندگی،
- ۵- کاهش فقر، محرومیت اجتماعی و خشونت شهری، است (طیبی، ۲۰۱۳: ۸۸؛ ایران‌دوست، دوست وندی، بی تا: ۱۹۱)

در مجموع مؤلفه‌های اساسی و شاخصهای مهم حق به شهر عبارت است از:

- ۱- مشارکت شهروندان در فرایند برنامه ریزی

۲- تضمین دسترسی و نظارت شهروندان بر فرایند برنامه ریزی و مدیریت شهری و به رهگیری از نظرات آنها در تصمیم گیریها و تصمیم سازیها

۳- توزیع عادلانه منابع شهری و کاربری زمین برای دسترسی همگانی به مسکن، کار و فعالیت، بهداشت، آموزش، حمل و نقل عمومی و فضای عمومی و اوقات فراغت

۴- فراهم آوردن شرایط استاندارد زیست برای افراد و تضمین دسترسی شهروندان کم درآمد به مسکن مناسب

۵- ساماندهی اسکان غیررسمی و توانمندسازی محلات کم توان شهری و توجه به افراد حاشیه رانده شده

تضمین حضور شهروندان از طبقات اجتماعی و منزلتی متفاوت، دسترسی عادلانه آنها به فضاهای عمومی با اختصاص

۶- پهنه های ویژه برای امور اجتماعی دعوت کننده در شهر (اطهاری ۱۳۹۰ به نقل از تقوایی و همکاران، بی تا: ۱۳).

در یک جمع بندی کلی می توان گفت، دلایل حق به شهر حاکی از پویایی شهر و مشارکت و به رسمیت شناختن حق اظهار نظر و ایده های خلاقانه توسط شهروندان در باره آنچه در سرنوشت شهرها را تحت تاثیر قرار دهد، است. حق به شهر ساز و کارهای برای مشارکت دموکراتیک محلی فراهم می کند. البته دموکراسی های لیبرال ساختار مشارکت تابع دولت است که شهروندان باعث پویایی شهر در ساختار نهادی امکان مشارکت در مقیاس محلی را پیدا می کنند (پرسل ۲۰۰۲: ۱۰۴)..

ب) مفهوم سیاست گذاری شهری

گسترده گی مسائل پیرامون در شهرها باعث شده سیاست های شهری یکی از محور های مهم عرصه ی کلان سیاست گذاری کشور ها مدل شود. در واقع سیاست شهری (خط مشی شهری) جزئی از سیاست گذاری عمومی جوامع است (جلیلی، ۱۳۹۴: ۱۱).

نظرات پژوهشگران آمریکایی به نام های سوزان فین اشتاین، تمام نظریه های جدید برنامه ریزی شهری با موضوعات در تصمیم گیری در عرصه برنامه ریزی شهری، ضرور تا یک اقدام سیاسی است. (مهدی زاده، ۱۳۸۶: ۶۹). بلکمن (۱۹۵۵) در مورد سیاست شهری به منزله ی تمامی جنبه های سیاست عمومی است که در زندگی افراد ساکن شهرها را تحت تاثیر قرار می دهد (کا کرین، ۱۳۷۸: ۳۲) وزارت توسعه ی منطقه ای کشور جمهوری چک اهداف سیاست را شناسایی و مشکلات عمده ی توسعه ی شهری بر اساس همکاری مشترک بین نهاد های مختلف دانسته است (وزارت

توسعه منطقه ای جمهوری چک^۱، ۱۵:۲۰۱۰). از منظر بانک جهانی نیز، سیاست شهری از آن رو حائز اهمیت است که می تواند به توسعه ی بیش تر دامن بزند (کاکرین، ۱۳۷۸:۲۲۵).

سیاست شهری در ارتباط با مدیریت تغییرات شهری و به عنوان فعالیتی دولت-حکومتی به توزیع و هدایت سرمایه گذاری و بهره برداری از آن در محیط مصنوع شهر میپردازد. البته میتوان در فرایند برنامه ریزی و بودجه ریزی شهرها با ایجاد چارچوبهای مشخص، موجب هدایت منابع به سمت منافع گروههای تاثیرگذار شد(هالند، ۲۰۱۵ به نقل از علی احمدی، میر عابدینی، ۱۳۹۸:۷۸).

نظر هاروی، در مورد سیاستهای شهری که بازوی قدرتمند و غالباً نوآور و در عین حال غایب تادیبی انباشت نابرابر و مبارزه ی نابرابر طبقاتی در فضای جغرافیایی هستند (هاروی، ۱۳۸۷:۱۹۲). در واقع سیاست شهری به لحاظ ماهیت و ظرفیت بازتولید نابرابری میان گروه های تاثیرگذار شهری را در خود دارد. تا جایی که یکی از دغدغه های نظریه پردازان شهری دوگانه ی قدرت و نابرابری در شاکله مفهوم بندی سیاست های شهری است. هاروی از منظر تغییر کارکرد سیاست شهری به چالش درون سیاست شهری می پردازد. وی معتقد است در چند دهه ی اخیر سیاست شهری از صورت مدیریت گرای شهری به کاسب کارسالاری شهری تغییر یافته است. در حالی که در اولی دولتهای محلی مسئولیت تأمین رفاه را بر عهده داشته و به تعبیر کاستلز مصرف جمعی برای بازتولید نیروی کار را ممکن میکردند، در دومی اولویت به نرخ رشد اقتصادی و منافع تجاری اقلیتی محدود داده میشود؛ وضعیتی که در آن سیاست ورزی شهری به رقابتی پر تب و تاب برای جذب سرمایه تقلیل داده شده و از اصول مسلم «سیاست جدید شهری» فرض میشود (مک لئود، جونز، بی تا:۲).

مدیریت شهری را در سه سطح می توان تعریف کرد که عبارتاند از: سطح سیاست گذاری، سطح برنامه ریزی و سطح اجرا. سیاستها عبارتند از مجموعه تصمیماتی که از سوی نظام مدیریت برای هموارسازی اجرای راهبرد و در راه حصول به اهداف اتخاذ میشوند. شناسایی عناصر و ذینفعان شهری، مطالعه انگیزهها، مبانی ایفای نقش و عملکرد این عناصر و نحوه ی تعامل و کنش آنان با یکدیگر و تاثیرگذاری آنان بر فرایندهای رسمی و غیررسمی تصمیم گیری و سیاستگذاری در حوزه ی مطالعات سیاستگذاری شهری قرار می گیرد. همچنین شناسایی ساختارهای رسمی تصمیم-سازی و سیاستگذاری در مورد شهر و میزان تطبیق آن با وظایف محوله به مدیران شهری و حتی انطباق ساختار و سلسله مراتب سازمانهای آن با تقسیمات جغرافیایی و عملکردی نیز از دیگر ابعاد با اهمیت مطالعه ی سیاست گذاری شهری به حساب می آید(کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۲:۲۸۵).

شناسایی ذینفعان و کنشگران از مسائل مهم و اساسی در سیاست گذاری شهری است، چرا که از نقش تعیین کنندهای در چگونگی تنظیم قواعد نوشته و نانوشته در فرایند سیاست گذاری برخوردارند. دفتر اسکان بشر، این بازیگران را

^۱. Geyer

شامل حکومت مرکزی، حکومت محلی یا مدیریت شهری، بخش خصوصی، جامعه‌ی مدنی اعم از تشکل‌های مردم نهاد، تشکلهای غیر دولتی، رسانه‌ها و احزاب، دفاتر و نهادهای بین‌المللی، نخبگان، فعالان اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و غیره می‌داند (کاظمیان و میرعابدینی، ۳۱-۱۳۹۰:۳۰).

هرچند مقالاتی در مورد برنامه ریزی و ایجاد فرصت‌هایی برای ذینفعان مختلف در فرایند برنامه ریزی، و چالشن شهری بر طرف کنند. با وجود درک و محدودی همه ذینفعان قادر به استفاده موثر از فرصت هستند، همچنان وجود دارد (مجین، شرسندا، ۲۰۰۶:۲). با توجه به ادبیات این حوزه یکی از چالش‌های محوری در پرداختن به سیاست‌گذاری شهری مربوط به بازیگران و ذینفعان در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه ریزی شهری است. این موجب تعارض منافع میان گروه‌های مختلف در حیات شهری می‌شود در صورتی توزیع نابرابری فرصت‌های تصمیم‌سازی را به بار می‌آورد. اهمیت و ضرورت سیاست‌گذاری شهری برای بهتر شدن مدیریت شهری در فرایند اعمال قدرت از سوی ذی‌نفعان و صاحبان قدرت شهری می‌تواند سبب تغییرات مختلفی در حوزه‌های زیر شود:

۱- امکان‌گرایش مدیریت شهری به برخی از گروه‌ها و یا اجتناب آن از برخی گروه‌های دیگر در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری؛

۲- محصولات تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، از جمله سیاست‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌های شهری یا بر علیه بودن این محصولات برای گروه‌های مختلف شهری؛

۳- ساختار و مولفه‌های محیط‌مورد نظر تصمیم‌گیری (کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۲:۳۰۲).

نظریات اصلی پیتروال در مورد مولفه‌های محتوایی «چارچوب سیاست‌گذاری شفاف شهری» عبارتند از: توزیع عادلانه و منصفانه، ارتقای سلامتی و اقتصاد محلی؛ مدیریت مناسب تغییرات اجتماعی و رویارویی درست با مسئله اقلیت‌های محروم و نابرخوردار؛ ارتقای سیستم حمل‌ونقل شهری شهر پایدار (Pfeiffer:2000:33) Hall & به نقل از کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۲:۳۰۲.

دیدگاه برنر و همکاران (۲۰۱۲) در حال حاضر کنترل بر منافع درجه اول متعلق به گروهی از افراد ممتاز اقتصادی و سیاسی شامل نخبگان و املاک و مستغلات، سیاستمداران با نفوذ و صاحبان رسانه است (دامورتکز، ۲۰۱۸:۶۱۳). طبق اصول سیاست‌گذاری شفاف شهری می‌بایست توزیع عادلانه بین ذینفعان مختلف در خصوص تقسیم منابع و فرصت‌ها در شهر صورت گیرد در صورتی شفافیت عملکردها را با شنیده شدن همه‌ی صداها برداشته باشد. اهمیت پیوند میان سیاست‌گذاری شهری و حکمروایی شهری دنبال کرد که در آن اهمیت سیاست‌گذاری در شکل‌گیری کلان‌توسعه شهرها از دید حکمروایی خوب مقابل درک خواهد بود.

¹ Mahjabeen, Shrestha

تعریف مفهوم تمرکزگرایی

تمرکزگرایی شیوه‌ای است که در آن تصمیمات در زمینه کلیه امور (ملی و محلی) توسط مرکز سیاسی و اداری واحدی که معمولاً در پایتخت قرار دارد، اتخاذ و به مورد اجرا گذاشته می‌شود. در این وضعیت قدرت و اختیار اداره و اجرای امور کاملاً در سازمان‌های مرکزی تمرکز دارد و مجریان سیاست‌ها برنامه‌های مذکور سازمان‌ها و دستگاه‌های اداری دولتی هستند که بخش اصلی خدمات محلی را به مردم ارائه می‌دهند. در صورتی سازمان‌های محلی مثل شهرداری نقش و تاثیر اندکی در امور دارند؛ در صورتی آنها در موقعیت محلی قرار می‌گیرند و موظف هستند بر اساس سیاست ابلاغ شده از مرکز عمل کنند. در چنین الگویی همه تصمیمات در مرکز اتخاذ می‌شود و مناطق مختلف کشور هیچ استقلالی ندارند. در صورتی، واحد‌های پایین‌تر، مجری سیاست‌های دولت مرکزی بوده و کنترل شدید بر آنها اعمال می‌شود (Omid, 2012: 113-126، ولی قلی زاده، خیری، ۱۳۹۵)

اگرچه تاریخ کارآمدی این الگو را کاملاً نمی‌کند، اما معایب تمرکزگرایی بیشتر از طریق برهان خلف یعنی اثبات محاسن تمرکززدایی را بیان می‌کند. به اعتقاد طرفداران تمرکززدایی عوامل مختلفی از قبیل بی-سوادی، عدم رشد فکری، عدم آشنایی مردم با حقوق و وظایف اجتماعی و استقرار نظام حکومتی استبدادی باعث به وجود آمدن تمرکز در دولت می‌شود. ارتباط، الکسی دو توکویل معتقد است دو نوع تمرکزگرایی وجود دارد که یکی «تمرکز حاکمیتی» و دیگری «تمرکز اداری» است. تمرکز حاکمیتی یعنی تمرکز پاره‌ای از مسائل مورد توجه و علاقه عام مردم که عموم افراد در آنها منافع مشترکی دارند، مانند قوانین عمومی دولت‌ها و یا مسائل مربوط به خارجی دولت‌ها؛ مسائل کلان کشوری... در دست دولت با دستگاه‌های حاکمیتی. اما تمرکز اداری یعنی تمرکز برخی مسائل فضایی (امور محلی) در یک مکان که مختص مکان خاصی نبوده و مورد توجه عموم ملت نیستند در صورتی تمرکز حاکمیتی دفاع کرده و تمرکز اداری را خوب نمی‌بیند. (Tocqueville, 1982: 59)

تاثیر تمرکز گرای بر نظام برنامه ریزی شهری

نظام برنامه ریزی به عنوان چارچوب و استخوان بندی اساسی و دخالت توسعه کشور و طرح ریزی برای آن کشور محسوب می‌شود به همین دلیل اغلب بسته ماهیت ذاتی خود (متمرکز و غیر متمرکز) در تعیین کننده سلسله مراتب برنامه ریزی‌ها، نقش و عملکردها است. با توجه در ایران نیز برنامه ریزی متمرکز در بخش مختلف سیاسی، اقتصادی، مدیریتی، به طور کلی باعث پیروی برنامه ریزی‌های در سطوح شهری از این نوع نظام است. در واقع در ایران، انقلاب مشروطیت نقطه عطف بزرگی در حوزه مدیریت شهری محسوب می‌شود. با وجود قوانین مدون و مکتوب در اداره شهرها شهرها و گذر از نظام سنتی مدیریت شهری با وجود قوانین بلدی تا تشکیل شوراهای اسلامی، شهر همواره در نظام مدیریت شهری میل به تمرکز قدرت به چشم می‌خورد (shieh, 2003: 40). در سال ۱۲۸۶ خورشیدی، ایران اولین بار شاهد تصویب قانون بلدیة انجمن‌های ایالتی و تشکیل

ولایت ر مجلس وقت بوده است (Ahmadi, 2000: 4)، در صورتی هیچ کدام از قوانین نتوانسته در نظام مدیریت شهری ایران تحولی ایجاد نماید و به عبارتی زود تغییر ماهیت داده یا حذف شده اند در نظام برنامه ریزی شهری تهیه طرح های توسعه شهری در ایران متاثر از نظام کلان برنامه ریزی متمرکز دولتی - دیوان سالارانه به متاثر به نوعی نظام رانتی است. بر این اساس عوامل تاثیر گذار نهادی و غیر نهادی (رسمی و غیر رسمی) دولتی و بخش خصوصی ذینفع در حاکمیت به طور مستقیم در سراسر فرایند برنامه ریزی توسعه شهری بیشترین نقش و تاثیر را دارند در فرایند دولت به عنوان اراده حاکمیت فراقانونی، عامل اصلی تغییر مستمر و تدریجی و گاه یکباره با کنار گذاشته و در برنامه ریزی توسعه شهری و حتی بی اعتباری نتایج آن محسوب می شود (Kamanrudi, 2005: 52).

درباره وظایف و اختیارات شورای اسلامی شهر باید گفت که شورای اسلامی شهر مرجای تصمیم-گیری و وضع مقررات شهری است و شهردار مسئول اجرای این مقررات است. در وظایف و اختیارات شورای اسلامی شهر که در موارد بیست و نه گانه ذکر شده، آنچه بیش از همه مشهود است نقش مدیریت شورا برای شهرداری است و از قدرت تصمیم گیری و تصویب قوانین خاص برای مدیریت شهری خبری نیست (Jajarmi e-Imani, 2005: 5). &Azkia.

رفرما گوسمان^۱ (۱۹۹۳) پژوهش در مورد، جریان تمرکززدایی که در پاکستان صورت گرفت را مهم ترین جریان برای برقراری حکومت های محلی در پاکستان عنوان کرد. در این جریان که از سال ۱۹۷۹ شروع شد بر ترقی و پیشرفت حکومت های محلی به عنوان یک ابزار توسعه اقتصادی تأکید زیادی شد. آن ها خودمختاری و استقلال را در تصویب بودجه های محلی و پیشنهادهای مالیاتی و وضع قوانین محلی خود را مهم ترین عامل تأثیر گذار بر موفقیت شوراهای محلی دانسته اند.

روش پژوهش

با توجه پژوهش مختلف علوم انسانی و ضرورت واکاوی مسئله یا موضوع بحث بر انگیز وجود دارد پژوهش های کمی به دلیلی ماهیت که در گذشته داشتند قادر به پاسخگویی این مسائل نیستند در این مواقع نیازمند کیفی هر چه بیش تر احساس می شود (کرسول، ۱۳۹۱).

در پژوهش حاضر بررسی مفهوم حق شهر به کار بست نظری سیاست گذاری شهری مد نظر است تادر صورت نیاز از توصیف های دقیق موضوع کاربرست عملی این در عرصه ی سیاست گذاری شهری توصیف تحلیل شد متناسب با راهبرد کیفی، از ارزش و روش توصیفی - تحلیلی برای این پژوهش و دادهای پژوهشی حاضر از بین

¹ Gussman Referme

منابع ثانویه می تواند تنظیم و تفسیر شود تا بیش جدیدی را درباره یک پدیده ی اجتماعی خاص ارائه دهد(آمد)^۱، ۲۰۱۰:۸ و موگالواوه، ۲۰۰۶).

در این پژوهش شیوه های جمع آوری و تحلیل مفهومی داده ها به شکل انتخاب گزینشی اسناد و تحلیل اسناد است. بر همین اساس بیشتر از تحلیل محتوا برای ساماندهی داده استفاده شده است که تحلیل محتوای کیفی به دنبال ساماندهی داده ها و توصیف در مورد پیرامون موضوع مورد پژوهش است. استفاده از این شیوه بیش تر زمانی ضرورت دارد که اطلاعات کافی در باره یک پدیده وجود نداشته باشد و محقق می خواهد دانش زمینه ای لازم را در این باره مسائل فراهم کند (کرپندورف، ۱۳۹۱: ۲۷). پژوهشگر با ارجاع به داده های مورد مطالعه در باره ی چالش شهر پایه و حق شهر و سیاست گذاری شهری به تدریج آن ها را خلاصه کرده تا نهایت به اصلی ترین مفاهیم مضامین مورد پژوهش دست یابد.

با توجه به روش پژوهش از نمونه گیری هدفمند برای انتخاب متون و اسناد استفاده شده است و تا رسیدن به سطح اشباع نظری دادهها- جایی که محقق دیگر به داده جدیدی نرسد- ادامه یافته است. داده های جمع آوری شده با روش تحلیل تماتیک مورد بررسی قرار گرفت. این تکنیک تحقیقی غیر واکنشی و غیر مداخله ای از روشهای عمده مشاهده اسنادی است که با برجسته ساختن و بیان نظام مند نکاتی که به طور پراکنده در مجموعه ای از متنها درباره موضوع پژوهش و مقوله های آن مطرح شده، کار خود را تحلیل آنها، یافتن پیام هایشان و ویژگیهای این پیامها آغاز می کند و می کوشد تا تحلیل با عینیت، نظام مندی، عمومیت و درجه قابل پذیرش از روایی و پایایی به انجام برسد و زمینه دستیابی به استنتاج هایی از آن متن ها فراهم آید به شکلی دیگر از تحلیلی به دنبال الگویابی داده هاست (کرپندو، ۱۳۹۱: ۳۰ و محمدپور، ۱۳۹۲: ۶۷)

تجزیه و تحلیل داده ها

مفهوم تمرکز گرایی حق به شهر چالش مدیریت شهری، سیاست گذاری و برنامه ریزی مسائل شهری در پژوهش حاضر سعی شده تا مهمترین دستاوردهای نظری درباره مفاهیم مرکز گرایی چالش های و سیاست گذاری شهری با استفاده از تکنیک تحلیل اسنادی مورد شناسایی و بحث قرار گیرد. در بخش اول تمرکز گرایی و چالش مدیریت حق به شهر جهت مدیریت و سیاست گذاری مطالعات مرتبط با دیدگاه لوفور و خوانش رویکرد وی مد نظر قرار گرفت. همچنین درباره سیاست گذاری شهری نیز مجموعه ای از گزاره های مطرح شده توسط محققان این حوزه دیده شده است. در ادامه با به کارگیری روش مقایسه ی تطبیقی و گزاره های مستخرج از ادبیات نظری این دو حوزه و با کمک روش تحلیل تماتیک به دنبال درک روشنی از رابطه این دو مفهوم و مدل سازی مفهومی رابطه ی

¹ Ahmed

² Mogalakwe

بین این دو مفهوم خواهیم پرداخت. برای نشان دادن مراحل انجام تحلیل سعی شده تا گزاره های مبنایی از تحلیل نظری و اسنادی این دو مفهوم نشان داده شود. همان طور در کد های مستخرج از گزاره های تمرکز گرایی و چالش مدیریت شهری قبال مشاهده است متغیرهای مشارکت، عدالت، برابری، تملک و تخصیص؛ فضاها، نظارت و دسترسی و شفاف شهروندان به تصمیمات و برنامه ریزی امور شهرها به عنوان گزاره های محوری و کد های استخراجی به شهر مطرح است.

از سوی دیگر تعیین اهداف تمرکز گرایی با دخیل در برنامه ریزی توسعه شهرها سیاست گذاری شهری است. براساس ادبیات مستخرج مشخص شد که فرایند مدیریت و برنامه ریزی شهرها رکن سیاست گذاری شهری است که به واسطه آن ساز کار تصمیمات شهر و تمام ابعاد که سیاست گذاری شهرو شهروندان شهر پایه تحت تاثیر قرار می دهد. تصمیم گیری در باره ی تولید تخصیص فضاها و مکان های شهری و تغییر و تحول شهر که تغییرات شهر الحاق چهار روستا از جمله سر کران، دوريسان، چورژه، نسمة تغییر و تحولات عصبه های شهری در سطح سیاستگذاری شهری توسط سیاستگذاران این حوزه اتخاذ می شود.

یکی از راه های آن ایجاد نهاد های محلی با عنوان شورا محسوب می شود و ارتباط شورای شهر اولین و مهم ترین گام در راه رفع موانع مذکور مشروعیت دادن به نظام مدیریت شهری اما همچنان مدیریت امور شهری در ایران علی رغم وجود محمل قانونی و تشکیل شوراهای شهری اسلامی شهرها، به دلیل عدم وجود مدیریت کارآمد برای جلب مشارکت و همکاری بین مردم و شورا و مدیریت متکی به مرکز باقی مانده است (2003:67).

(Organization Budget and Plan

وظیفه شورا اسلامی شهر مرجع تصمیم گیری وضع مقررات شهری است و شهردار مسئول اجرای این مقررات است. در واقع وظایف و اختیارات شورای اسلامی شهر که در مواردی بیست نه گانه ذکر شده، و بر اساس نقش مدیریت شورا برای شهرداری است و از قدرت تصمیم گیری و تصویب قوانین خاص مدیریت شهری خبری نیست (Azkia&Imarmi-e Jajarmi,2005:5). مدیریت شهری در ایران ویژگی های ساختاری این ساختار مدیریت متمرکز دولتی، گستردگی بروکراتیک ناشی از ماهیت شبه مدرنیستی است. ساختار و امکان مدیریت واحد محلی و مشارکتی و تحقق برنامه توسعه شهری میسر نیست بلکه در آن برنامه ی خرد و کلان متعددی در سلسله مراتب بالا به پایین فرایند مدیریت و برنامه ریزی شهری وجود دارند به جای ایجاد انتظام در مدیریت و توسعه کشور، ابزار کنترل و اعمال منویات دولت مرکزی هستند در صورتی در برنامه ریزی شهری کشور ایران ارتباط مستقیم با نظام حکومتی و حوزه فرادست خود دارد و قاعدتا نمی تواند به عنوان یک جز ار کل سیستم عمل کند. ارتباط با رویکرد سیستمی که به اصل کلی نگری و تحلیل ارتباط درونی و بیرونی سیستم یک شهر است. برنامه ریزی برای یک شهر بخشی کوچکی از کل فرایند برنامه ریزی به حساب می آورد که تابع نیروها و تصمیماتی است که در شکل گیری ساختار و عملکرد شهر دخالت نزدیک دارند. در جهان سوم از ضروریات

اصلی برنامه ریزی هر کشور و شهری با توجه به رشد سریع جمعیت، مهاجرت های روستا به شهر کلان شهرها، بی ثباتی نظام سیاسی - اداری و بحران های مالی، وجود ساختار چند گانه اقتصادی و ضعف نهادهای برنامه ریزی جملگی در نظام برنامه ریزی شهری تاثیر می گذارند بدون اینکه نظام به تنهایی قادر به بررسی، تحلیل یا تکلیف برای آن ها باشد. و برنامه ریزی شهری صرفا موضوعی علمی و فنی نیست که تنهایی قابل بررسی باشد بلکه به دلایل وابستگی شدید به شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی و بستر های شکل گرفته آن در تعیین ایجاد حوزه های فرادست شهری است (Ahmadian, 2003: 12).

نظام تمرکز گرایی دیدگاه بخشی و تدوین بودجه بندی ها همانند زنجیره گسسته عمل می کند این امر باعث بخی عمل کردن سازمان ها، نهاد ها و وزارتخانه ها بر اساس اهداف سازمانی خود شده و در نتیجه باعث عدم هماهنگی در تدوین اهداف و برنامه ها در نهایت مشکلات اجرایی شده است در صورتی شهرها کانون تمدن انسانی و مکان اصلی شکلگیری تظاهرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در قالب اهداف برنامه ها هیچ کدام از این سازمان ها به تنهایی نمی توانند مورد بحث بررسی قرار گیرند مدیریت شهری حدود ۲۶ دستگاه محلی است با توجه به شهر برنامه ریزی برای آن مدیریت شهر در قالب دیدگاه جامع، سیستمی و کلی نگر بایستی مورد بررسی قرار گیرد توسعه شهر پایدار سیمفونی عشق حماسه در کنار هم هارمونیک قدرتمند باعث توسعه پایداری است (PourAhmad et al, 2006: 168).

در مجموع، علاوه بر آنچه که بحث شد، به صورت خلاصه ساختار نظام مدیریت برنامه ریزی در ایران دارای ویژگی های زیر می باشد:

به شدت دولتی، متمرکز بخشی و ازبالاتر به پایین است؛ بسیار گسترده و دیوان سالارانه است؛ زده فاقد انتظام ناکارآمد است؛ فاقد اندیشه و فرایند توسعه است؛ فاقد التزام عملی فراگیر دستگاه ها و عناصر و مدیریت از اصول برنامه ریزی رسمی است؛ فاقد ظرفیت های لازم برنامه ریزی توسعه در سطح پایین مدیریتی می باشد.

تمرکزگرایی و مشارکت مردمی (چالش رویه ای)

یکی از مهمترین تحولات در عرصه سیاسی و اجتماعی ایران، تشکیل شورا اسلامی شهر در سال ۱۳۷۷ می باشد که پیش از تشکیل این شوراها مدیریت امور شهرها شکلی ساده و کاملا متمرکز داشت. در این سیستم، شهردار توسط استاندار انتخاب می شد و زیر نظر او با فعالیت های پر ادراخت. اما، تشکیل شوراهای اسلامی شهری باعث شد سیستمی غیرمتمرکز مبتنی بر انتخاب مردم اداره امور شهر را بر عهده بگیرد. در این سیستم، توسعه شوراهای می تواند موجب گسترش نهادهای غیردولتی و افزایش مشارکت مردم در اداره امور خود و پاسخگو نمودن نهاد مدیریت شهری را فراهم آورد. با این وجود توجه به تجربیات مدیریت شهری در ایران، طی سالهای اخیر کاهش

میزان مشارکت مردم در انتخابات شوراهای اسلامی شهری نشان دهنده عدم اجرای انتظارات و خواسته ها و ناامیدی بخش عمده ساکنان شهری از شوراها می باشد از نظر بعضی کاشناسان مهمترین دلایل عدم در انتخابات نمایندگان شورا شهر توسط مردم و عموماً دیدگاه سیاسی حاکم از سوی حکومت در باره تعیین صلاحیت آن ها می باشد که ارتباط مستقیم با سیستم اداری - سیاسی متمرکز حاکم بر جامعه ایران دارد در صورتی که پایداری شهرها و مشارکت مردم محلی و مدیریت شهری است همین رابطه، شوراها و شهرداری ها به دلیل اتصال مستقیم با اقشار ولایه های متکثر اجتماعی و توزیع فراگیر جغرافیایی در شهرها و ارتباط نزدیک با مردم، درآشناترین نهاد اجتماعی برای توسعه و آبادانی کشور، عدالت و شکوفایی و بالندگی استعدادها محسوب می شوند. به عبارتی، اجرای قانون شوراها گامی اساسی به جلو قلمداد می شود که امکان گفتگوی نیروهای محلی را فراهم می آورد. دخالت مردم در امور شهری اصیل ترین شیوه های رشد ملی به شمار می آید برای اینکه سودمند و شوق انگیز محلی در اداره اور جمعی، رغبت مردم برای پرداختن به کارهای بزرگ تر تحریک می کند و آنان با تکیه بر نتایج سودمند که از مشارکت محلی به دست می آورند به مشارکت های بزرگ ملی تبدیل می گردد. در کشور ایران سیستم مدیریتی از بالا به پایین می باشد (یعنی از سطح ملی به منطقه ای و محلی) که نقش مردم در مسائل مدیریتی شهرها به فراموشی سپرده می شود در نتیجه روند موجود به نوعی ضعف مدیریت شهری منتهی می شود. (Tusi.-Monthly councils, 2008:15).

تمرکزگرایی و طرهای توسعه شهری (چالش محتوایی و رویه ای)

طرح توسعه شهری در ایران علاوه بر نارسایی فنی روش شناختی، عدم هماهنگی های بین بخشی و اعمال سلاقی مدیریتی، بیشتر به دلیل الگوی تصمیم گیری متمرکز یا ناقص اجرا شده یا کاملاً کنار گذاشته شده آمد. در صورتی مشارکت شهرداری ها و مردم به عنوان مجریان و مصرف کنندگان اصلی تهیه طرح های مختلف و عمل برنامه ریزی پس از تهیه، تصویب و ابلاغ طرح ها شده است. در همین ارتباط، و در سیستمی کاملاً آمرانه، عدم تهیه، تصویب و ابلاغ طرح ها شده است. در این راستا ارتباط مدیریت سیستمی کاملاً آمرانه عدم تهیه برنامه ریزی نو سازی، عمران و اصلاحات یا برنامه پنج ساله توسط شهرداری ها به عنوان سد ابزار اجرایی نمودن طرح های جامع و تفصیلی موضوعی در راستای قاعده مندی رفتار و اقدامات مدیریت شهرداری ها و نهایتاً توسعه شهری، حداقل در بخش فضائی، کالبدی شهری یکی از نمونه های بارز بی اعتباری توسعه برنامه ای شهرها در ایران است (Kamanrudi, 2005: 52).

تمرکزگرایی و ماهیت شکل‌گیری حکومت محلی (چالش رویه ای)

یکی از چالش‌های رویه‌ای بررسی ماهیت شکل‌گیری حکومت محلی در بحث‌های مدیریت شهری است. حکومت محلی نیز یک نهاد عمومی و غیردولتی است در طول دولت قرار می‌گیرد نه در عرض آن، زیرا این نهاد بر اساس قوانین ملی تشکیل می‌شود از سوی حکومت مرکزی به رسمیت شناخته می‌شود اصل و اساس حکومت‌های محلی در اداره امور محلی از استقلال نسبی برخوردارند، اما فاقد خودمختاری کامل به حدی که ناقض قانون اساسی و سایر قوانین لازم‌الاجرا باشد هستند. حکومت محلی برای تامین منابع مالی خود بایستی بر درآمد‌های محلی اتکا نموده و کمتر از منابع ملی بهره‌جوید از دید سیاسی - اداری، شهرداری معادل اصلی حکومت محلی نیست، اما هسته مرکزی حکومت محلی را تشکیل می‌دهد و وظیفه آن هدایت، جلب مشارکت سایر عوامل بر مدیریت شهری را بر عهده دارد. (Habibnejhad, 2009: 118-19).

رابطه مربوط به حکومت محلی در ایران به رغم کوتاه بودن با مشکلات ساختاری عمده‌ای مثل درآمد ناپایدار، عدم اراده سیاسی دولت جهت تفویض اختیار، عدم تخصیص بودجه مبتنی بر عملیات و تعادل منطقه‌ای، ناهمبستگی بین ارگان‌های دولتی و محلی برای اداره شهر، عوامل‌گرایی در فرایند انتخاب شوراها و عمر پایین مدیران شهری مواجه بوده است (۱۱۳: ۲۰۱۲، Omid). در صورتی تمرکز شدید در دست حکومت مرکزی به دل‌سردی مردم و سوءظنشان با کارهای مامورین دولتی که هر کسی در محیط فعالیت خود را تا پای دیوار منزل خود محدود کند و توجهی به امور فراتر از آن نداشته باشد افزایش مشکلاتی مانند کیفیت محیط زیست، مصرف‌گرایی و نابرابری اجتماعی و افزایش طبقاتی به ویژه تبعیض در دسترسی به خدمات شهری، ضرورت تحول در عملکرد حکومت‌ها را نمایان می‌سازد که مشارکت حکومت‌ها را آشکار می‌کند و بحث مشارکت حکومت شهری، بخش خصوصی و جامعه مدنی اداره امور شهری، تحول بزرگی برای مدیریت شهری و ایجاد مکانیزمی برای افزایش امکان دسترسی به خدمات از طریق قدرتمندی حکومت‌های محلی دارای جایگاه بسیار مهمی در استراتژی نهادی بین‌المللی می‌باشد (11: 1965, Daneshpagjoh & Niemi, 2012: 1, Madanian).

تجزیه و تحلیل

شهر و اداره امور ملی ناحیه‌ای و محلی یک نوع سیستم مدیریت استفاده می‌کند که به عنوان مدیریت متمرکز می‌باشد. این مدل بیشتر در کشورهای جهان شومی رواج دارد. متاثر از نظام سرمایه‌داری غربی و شبه مدرنیسم شدن این دولت‌ها می‌باشد. کشور ایران رابطه تحولات در قرن اخیر در چارچوب مدل متمرکز اداره می‌شود و باعث سیاسی و اداری و تأثیرات عمیقی در زمینه برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و شهری،

زیست محیطی و کالبدی ... شهرها به وجود آورده است که خود این مدل با مدیریت شهری و برنامه ریزی شهری نیز از این سیستمی تاثیر نمانده و تاثیرات عمیقی پذیرفته است .

مدیریت شهری یکی از مفاهیم تازه حوزه برنامه ریزی شهری می باشد که با مشارکت یکپارچه مردمی مطرح می شود و نهاد های سازمانی اطلاق می شود که به صورت رسمی و غیر رسمی در فرایند برنامه ریزی و مدیریت شهری قانون گذار هستند و هدف آن ها ایجاد محیطی سالم و قابل زندگی برای قشر های مختلف شهروندی همراه با عدالت اجتماعی است تعاریف مختلفی از مدیریت شهری به عمل آمده است یعنی شرکت های همه سازمان های دولتی و غیر دولتی و مردم در امر برنامه ریزی شهر قرار گرفته اند که مدیریت شهری متمرکز در سیستم و همه تصمیمات در سطوح بالا گرفته است به سیستم پایین دست اعمال می شود ، بدون دخالت مردم برنامه ریزی از بالا به پایین صورت می گیرد ، بدون شناخت و منابع محلی باعث مشکلات زیادی برای مدیریت شهری هم از لحاظ روش مدیریت (مشکلات رویه ای) و مشکلات زیادی در زمینه موجود در شهر روند چالش جهانی شدن ازدحام جمعیت در مادر شهرها ، توسعه ناموزون شبکه شهری ، شکل گیری فقر و حاشیه نشینی ، بیکاری و مهاجرت ، توسعه پیش از حد کالبدی بزرگ با روند جهانی شدن آن ها اس چالش های تمرکزگرایی عدم شکل گیری مدیریت یک پارچه شهری یا غدم مشارکت مردمی در مدیریت شهری است .

برنامه ریزی و مدیریت در ایران از حیث ساختاری فاقد زمینه های اجتماعی - سیاسی است که توسعه ابزاری است دست دولت و معطوف به ابعاد مادی عمرانی ملی شده است . در این ساختار ، مدیریت و برنامه ریزی به جای رسیدن به توسعه مانع اصلی توسعه شهری می شود با مشارکت همه جانبه به منظور تمرکززدایی همه طرح ها مردم هستند و نیازهای واقعی شهروندان نادیده گرفته می شود که تبعیت از این روند ، مسلماً مشکلات عدیده ای مثل جرائم و تخلف هایی در ساخت و ساز شهری ، استفاده نامناسب از زمین شهری ، بد بین شدن مردم به مدیریت ... ب وجود می آید . در صورتی بحث مشارکت مردمی و مدیریت یکپارچه خیلی در برنامه ریزی شهری مهم هستند و مدیریت شهرها در سال اخیر در مورد نظام متمرکز تعداد سازمان و ادارات در مدیریت شهری زیاد هستند . هماهنگی و یکپارچگی کردن سازمان کار مشکل حتی بعید محسوب می شود و شهرداری به عنوان هسته مرکزی حکومت ها مطرح هستند در صورتی سیستم متمرکز که تمام برنامه ها و اهداف در پایتخت گرفته می شود و بوجه هر منطقه و استان و شهری بالا تعیین می کند و یکی از چالش های اساسی در تحقیق حکومت محلی از لحاظ قدرت تصمیم گیری و درآمدی و مالی به وجود می آورد .

در ایران نظام متمرکز اداری - سیاسی ، چالش های اساسی دیگری نیز در حوزه مدیریت شهری به وجود آورد است . در این نوع نظام که بیشتر قدرت و سرمایه در پایتخت و بعد در شهرهای بزرگ متمرکز شده است که باعث شده که تعادل ناحیه ای و منطقه ای بر هم بخورد و از طرف دیگر وجود امکانات موجود در این شهرها باعث

افزایش میزان مهاجرت از شهرهای کوچک و میانی و روستاها به این شهرها شده و مهمتر از همه این شهرها را در روند توسعه و مدیریت و با چالشهای بزرگی مانند فقر و بیکاری، حاشیه نشینی، زاغه نشینی، کمبود زیر ساخت های شهری، امکانات رفاهی، کمبود مسکن، کمبود درآمدهای شهرداری ها و ضعف قدرت تصمیم گیری آن ها در طرح های توسعه شهری در شهرداری ها فقط مسئول فقط مسول اجرای طرح ها می باشند، شکل گیری در مورد زمین و ساخت سازه های غیر مجاز در حومه و زمین شهری، عدم مشارکت مردمی و یکپارچه، ازدحام الودگی و عدم توجه به محیط زیست در شهرهای بزرگ و ... مواجه ساخته است. علیرغم وضعیت موجود، اگر چه در جهت تمرکززدایی در مدیریت شهری اقداماتی مثل تشکیل بلدیة و شکل گیری شهرداری ها و تشکیل شوراهای اسلامی شهر صورت گرفته است، اما هیچ از این اقدامات به خاطر تاثیر عمیق تمرکززدایی در همه ابعاد برنامه ریزی و مدیریتی نتوانسته گامی موفقیت آمیز محسوب شود.

نتیجه گیری:

نتایج بدست آمده، هر کشوری دارای یک نوع نظام مدیریتی که تابع اداره امور آن شهر مدیریت شهری به شیوه خاص که هر کدام از این شیوه های مدیریتی خاص می تواند امکانات و محدودیت ها و چالش برای سیاست گذاری حقتش شهر و اداره مدیریت شهری به جود آورد. نظام سیاسی - اداری ایران یک سیستم متمرکز است که این نظام متمرکز در دوره پهلوی در نظام مدیریتی ایران شکل گرفته است با ورود تمدن جدید به ایران نظام سرمایه داری که جایگاه خود را در شهرهای بزرگ که با پیاده کردن اهداف خود نیازمند دولت مقتدر مرکزی بود که بتواند برنامه خود را به نحوی اجرا کند که باعث تمرکز شدید به سرمایه و خدمات در شهرهای بزرگ و و تمرکز قدرت در دست دولت و نهایت آن در شکل گیری نظام متمرکز اداری شد.

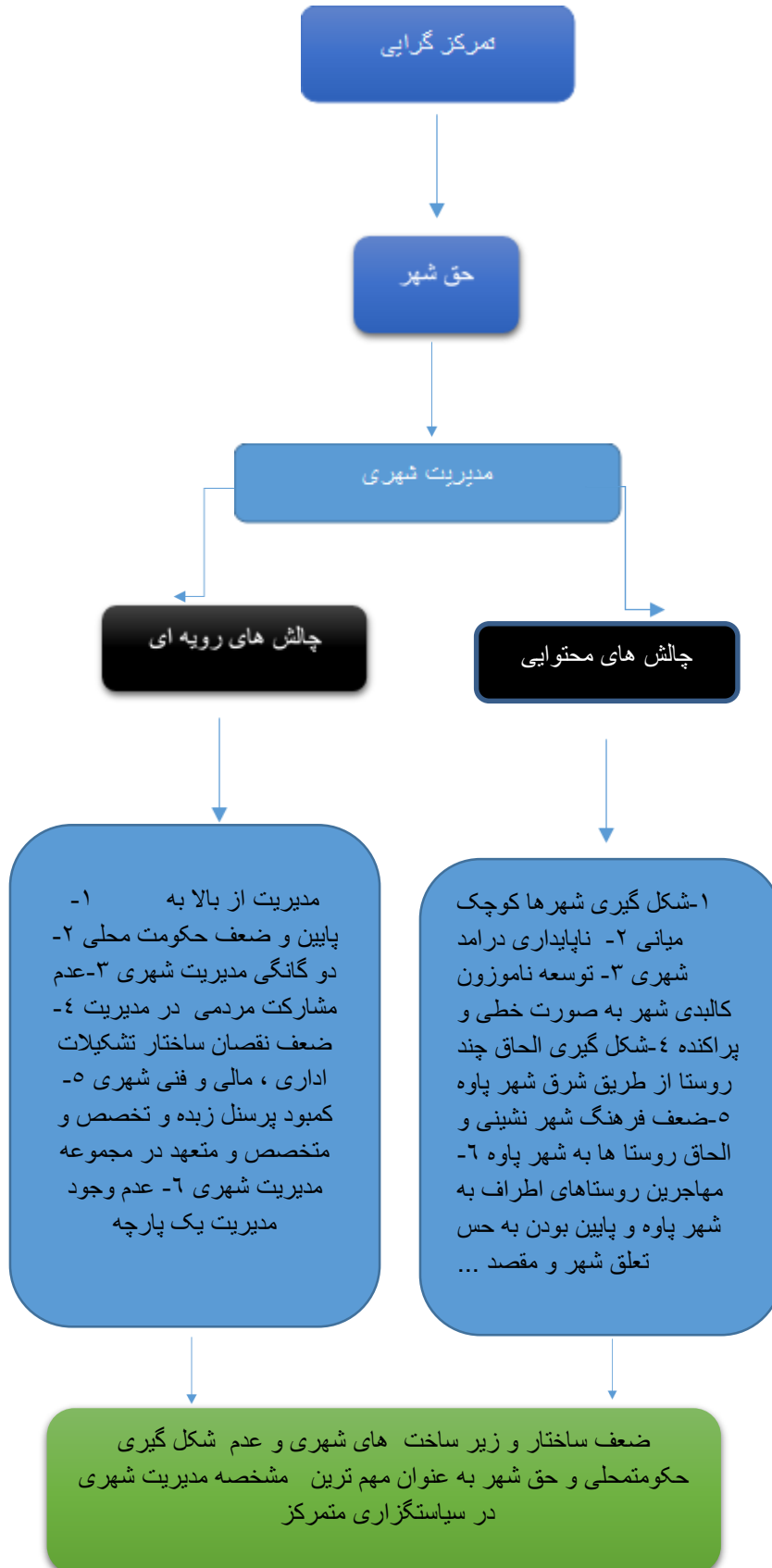
نظام متمرکز تصمیمات خود را در زمینه کلیه امور (ملی و محلی) توسط مرکز سیاسی و اداری و یکپارچه اتخاذ اجرا گذاشته می شوند. همچنان در این مقاله مبحث حق شهر و سیاست گذاری و تمرکز گرای در شهرهای ایران که زیر نظر دولت مرکزی می باشد. چالش های محتوایی مثل ازدحام جمعیت در شهرهای بزرگ، در مادر شهرها، و توسعه ناموزون شبکه شهری، شکل گیری فقر و حاشیه نشینی بیکاری و مهاجرت، توسعه، پیش از حد کالبدی شهرهای بزرگ که باعث شکل گیری که باعث شکل گیری چالش مدیریت در ایران و شهرها مخصوصا در روند جهانی شدن آن است و چالش رویه ای با روش مدیریتی که مشکلات را شکل داده مثل عدم شکل گیری مدیریت یکپارچه شهری یا عدم مشارکت مردمی در برابر مدیریت شهری و توسعه پایدار شهرها در نظر گرفته می شود.

با توجه به برنامه ریزی و مدیریت در ایران از حیث ساختاری فاقد زمینه اجتماعی و فرهنگی - سیاسی است به جای محمل توسعه با توجه به نیاز شهرها و توجه دولت به ابعاد مادری و عمرانی ملی شده است. ساختار

مدیریت و برنامه ریزی و مشارکت همه جانبه به منظور تمرکز زدایی لازم رفع چالش تغییر در نگرش به ساختار مدیریت شهری به عنوان تقویت حکومت محلی و مشارکت مردمی و مدیریت یکپارچه و تقسیم قدرت لازم از بالا به پایین و تغییر در ساختار به سیستم از پایین به بالا است برای اینکه هر کدام جداگانه با توجه به استعداد و پتانسیل های و محدودیت های خود توسعه برنامه ریزی باید . امروزه اداره امور شهرها مورد توجه و تاکید قرار می گیرد که یک پارادایمی در مدیریت شهرها معرفی می شود بهره گیری از حموایی خوب شهر توسط دولت و شهروندان و نهادهای خصوصی امید به حل مشکلات و معضلات ساختاری و کار کردی شهرها بود جریان افقی و فرابخشید و مشارکت به سمت حرکت افقی باعث تسریع در روند . امور می شود و همچنین باعث مشارکت مردم در انجام طرح های شهری ، همکاری با شهرداری و شوراها (تقویت حکومت های محلی) شناسایی نقاط قوت و ضعف شهر و ارائه راحل مناسب در جهت رفع مشکلات حق شهروندان و سیاستگذاری و تقویت مشارکت همه جانبه و یکپارچه در امور شهری می شود .

میان دو مفهوم حق به شهر و سیاستگذاری شهری را در عرصه نظری و عملیاتی نشان میدهند. هر یک از کدهای

بیان شده در حق به شهر جزو حقوق شهروندی هستند که در بستر اشکال گوناگون سیاستگذاریهای شهری صورت-بندیهای متفاوتی به خود میگیرد. شاکلهی مفهوم حق به شهر بر پایه های سیاستگذاری شهری استوار است و نمی-توان حق به شهر را جدا از سیاستگذاری شهری از عرصه دانش نظری به عرصه ی دانش عملی و قابل کاربست انتقال داد.



شکل ۱ - شمای کلی از انواع چالشها در مدیریت شهری بر اثر تمرکزگرایی (ولیعلی زاده و همکاران، ۱۳۹۵)

جدول شماره ۱. مهمترین گزاره های استخراج شده از تحلیل اسنادی مفهوم حق به شهر و سیاستگذاری شهری

ردیف	شاخص	ابعاد	عنوان کوتاه
۱-	اقتصادی	نقش اقتصادی غالب شهر حمل نقل، مرزی، خدمات گردشگری، عمده فروشی، فرهنگی و درمانی،	نقش اقتصادی غالب شهر
		مشکلات مالی اقتصادی شهرداری	مشکلات مالی شهرداری
		قیمت زیاد اراضی با کاربری های مسکونی و تجاری و ارزش افزوده ناشی از تغییر کاربری آنها	قیمت زیاد اراضی
		سیاست اقتصادی دولت با ساخت اقتصادی	باز ساخت اقتصادی
		تغییر عملکرد شهری (برجسته شدن بخش خدمات)	تغییر عملکرد شهری
	کالیدی زیست محیطی	پستی بلندی زمین به مثابه یک عامل محدودیت برای توسعه شهری پیروان، تغییر کاربری زمین و ...	پستی بلندی و شیب تند
		الحاق بعضی از روستاهای شهرستان پاوه از جمله نسمة، چورژه، سرکران، دوريسان به شهر پاوه که به شهرک تبدیل شده اند	اضافه شدن به شهر پاوه
		ایجاد توسعه سیستم حمل نقل شهری ایمنی جاده	توسعه سیستم حمل نقل شهری
		نبود تعادل و عدالت فضایی در فضای سبز و خدمات شهری	تعادل و عدالت فضایی در محلات مختلف شهری
		مباحث زلزله خیزی، زمین لغزش ها، سیل خیزی، فرونشست، آب های سطحی در مواقع نزولات جوی	زلزله خیزی
		ایجاد زیر ساخت لازم از قبیل آب برق، گاز، جاده و کمربندی سبز. فضای سبز، از جمله پارک کودک، پارک بانوان، پارک بزرگسالان، و پارک عمومی، خدمات بهداشتی،	
		رشد شهر نشینی و افزایش میزان توسعه شهری	رشد توسعه شهر
		پیشنهاد های طرح های توسعه شهری برای تغییر اراضی	طرح های توسعه شهری

گسترش بازار مسکن	گسترش بازار مسکن و بخش خصوصی		
جدایی گزینی اکولوژیکی	تو پوگرافی اجتماعی و جدایی گزینی قشرهای مختلف ساکن شهر، به دلایل قومی ، مهاجرت مناطق جنگی ، نژادی مهاجرت	اجتماعی	۳-
جنبش های اجتماعی	مهاجرت و رشد روز افزون جمعیت شهری		
ساختار اقتصادی و اجتماعی ساکنان	جنبش های اجتماعی شهر		
	تغییر ساختار اقتصادی و اجتماعی ساکنان نواحی شهری		
	سیاست دولت درباره اقدامات رفاهی (و توجه به بخش خصوصی یا طرفداری از منافع عامه و سرمایه گذاری در بخش مربوط به رفا) عمومی در شهرها نظیر سیاست های مربوط به مسکن ،خدمات رفاهی ،آموزشی و نظایر آن		
روابط تولید حاکم	روابط تولید حاکم بر جامعه به وجود شهر خطی بافت فرسوده شهر مرکزی و رابطه با سرمایه داری و منافع سرمایه دار	سیاسی	۴-
بانک زمین	ایجاد بانک زمین و کنترل فرم توسعه شهرها از این راه استفاده بهینه از زمین شهری		
نظریات اجتماعی	نظریات اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه		
وابستگی اقتصادی	وابستگی اقتصادی شهر مرزی پاوه با کشور همسایه(عراق)		

برخی از چالش‌ها، موانع و مشکلات پیش روی تهیه طرح جامع و تفصیلی شهر پاره:

۱- اولین مانع پیش رو این است که عمر طرح جامع شهر پاره به اتمام رسیده است و نیاز به تهیه طرح جامع جدید است که به دلیل مخالفت قانونی اداره راه و شهرسازی، تهیه طرح جامع جدید شهر پاره ظاهر به یک بن بست مقطعی رسیده است که لازمه خروج از این بست تعامل و رایزنی مکرر و مداوم با اداره راه و شهرسازی است. این مشکل به هر طریق ممکن باید حل شود که امید است فرآیند انجام این کار طولانی نباشد. طرح جامع شهری، به منظور تدوین برنامه و تعیین جهات توسعه شهر و تامین نیازمندی‌های آن، بر مبنای پیش بینی‌ها و اهداف توسعه شهری در یک دوره ۱۰ ساله تهیه می‌شود «طرح جامع» و «طرح تفصیلی» دو طرح مهم در برنامه ریزی و مدیریت شهری هستند. این دو طرح لازم و ملزوم یکدیگرند، اما در عین حال از نظر روش کار، شیوه تهیه، مقیاس نقشه‌ها و نتیجه نهایی، تفاوت‌هایی با هم دارند. در واقع طرح جامع، برنامه‌ای است که به صورت راهنما عمل می‌کند و خط‌مشی کلی سیاست‌های توسعه شهری را تعیین می‌کند. در نقشه‌های طرح جامع محل استقرار و توزیع کاربری‌های شهری عمده (مثل کاربری‌های آموزشی، بهداشتی و فضای سبز)، تراکم‌های جمعیتی، حدود حریم‌ها و محدوده‌های شهری (موجود و پیشنهادی) و مسیر توسعه آینده نگاری شهر، توسط علائم و رنگ‌ها نشان داده می‌شوند طرح تفصیلی - چنان‌که از عنوان آن پیداست - جزئیاتی را شامل می‌شود که طرح جامع به آن‌ها به صورت کلی پرداخته است. مطالعات تهیه طرح تفصیلی، متعاقب طرح جامع صورت می‌پذیرد و در حقیقت، تنظیم برنامه‌های مفصل و اقدامات جزئی و دقیق در مناطق و محلات شهری و همچنین طراحی آن‌ها را به عهده دارد. هدف از طرح جامع و تفصیلی یک شهر آماده و سپس شهر بر اساس آن ساخته می‌شود اما در شهر پاره اگر اقدام عاجل و موثری نشود موضوع بالعکس خواهد بود. در واقع شهرهای موفق هستند که این طرح‌های جامع و تفصیلی دارند و این طرح‌ها را به نحو احسن اجرا می‌کنند قطعاً عدم وجود طرح‌های جامع جدید و طرح تفصیلی موجب اختلال در خدمات رسانی شهری خواهد شد که امید است که هرچه سریعتر این طرح‌ها آماده و اجرایی شوند.

۲- مانع و مشکل دوم این است که شهر پاره طرح تفصیلی است حتی یکی از پیش‌نیازهای است با مرور زمان قطعاً تاخیر در زمان رفع موانع ردیف اول و دوم یعنی عقب ماندگی بیشتر و انباشت مشکلات افزون‌تر برای شهر پاره که جبران آن در آینده بسیار مشکل و سخت خواهد بود. علاوه بر این، تکلیف تمامی قطعات زمین را به لحاظ کاربری، تراکم ساختمانی و گذر بندی مشخص می‌کند و به عنوان یک سند در دستور کار شهرداری قرار می‌گیرد.

۳- مانع سوم هر چند که ممکن است در موانع اول و دوم ادغام باشد اما به نظر می‌رسد در حدی مهم و تاثیر گذار باشد در برنامه زمان بندی اقدامات مدیریت شهری سرفصل مشخصی هم از نظر زمانی و هم از نظر مالی برای آن تعریف کنیم. این مانع و چالش پیش رو وضعیت نامطلوب و غیر اصولی چهار روستای الحاقی است. چهار روستایی که خود ممکن است هم طرح هادی به روزی نداشته باشند و هم اصول طرح هادی‌های قبلی هم در این مناطق رعایت نشده

باشد اما در هر صورت لازم است در اسرع وقت این طرح های هادی به طرح جامع ارتقاء یابند و در داخل طرح جامع پایه ادغام شوند و این امر پیگیری مضاعفی را در خصوص هماهنگی مابین شهرداری ، بنیاد مسکن ، مهندسین مشاور و دیگر ادارات و ارگان های ذیربط می طلبد . علاوه بر لزوم تهیه طرح های جامع و تفصیلی پایه ؛ در مناطق روستایی الحاق شده به این شهر هم طرح های هادی وجود دارد که عمر آنها به اتمام رسیده است و این طرح ها هم باید به جامع و تفصیلی ارتقا یابند تا مشکلات موجود برطرف شود.

۴- مانع و چالش چهارم این است که شهر موجود ایستایی نیست و همانند موجودی زنده در حال پیشرفت و حرکت است و صبر نخواهد کرد تا متخصصان و مدیران شهری طرح های جامع و تفصیلی شهر را تصویب کنند و در نهایت به شهر اجازه حرکت رو به جلو را بدهند . پس در واقع یک حرکت با مدیریت و برنامه ریزی دقیق لازم است تا هر چه سریعتر این طرح تهیه و تصویب شوند .

۵- مانع و چالش پنجم این است که این طرح ها ممکن است توسط مهندسان مشاور تهیه شوند که غالباً بومی و مقیم شهر پایه نبوده و از راه دور این طرح ها را تهیه کرده و از چالش های اجتماعی که در شهر ما وجود دارد بی اطلاع باشند . و دانشجویان که با مراجعه برای گرفتن طرح جامع شهر پایه عدم دسترسی اطلاعات دقیق در اختیار دانشجویان دانشگاه کشور .

۶- مانع ششم این است که ممکن است بر طبق نیاز ، مدیران شهری به مهندسان مشاور برای مکان یابی بعضی از کاربری های دولتی و یا فضای سبز و ... دستوراتی ابلاغ نمایند که در تهیه طرح ها گنجانده شود ، اما تحقق آن منوط به این است که ادارات و ارگان ها با مالکین زمین های مورد هدف به توافق مالی سریع برسد و دخالت های مردمی را در جهت شنای در جهت خلاف جریان آب و به هم زدن نظم در اجرای طرح های مصوب به حداقل برسانند و یا قطع کنند .

۷- مانع و چالش هفتم این است که شهر پایه بعد از الحاق چهار روستای مجاور شاید بد قوارترین شهر کشور به دلیل گسترش طولی زیاد و عرض کم باشد و شاید از این هم بدقواره تر بشود چون از هم اکنون چه بخواهیم و چه نخواهیم باید پایه را برای پنجاه سال آینده از شمشیر تا نوریاب فرض کنیم . مشکل اینجاست که اگر بخواهیم در طرح جامع و تفصیلی پایه تا حدودی از لحاظ ابعاد طولی و عرضی توازن ایجاد کنیم ممکن است با چالش ها و موانع زیادی مانند تملک باغات و گسترش شهر به سمت ارتفاعات و ... مواجه باشیم اما در هر صورت ناچار به ایجاد توازن نسبی هستیم

ژئومورفولوژی مانعی بر سر توسعه و گسترش شهر پایه و توسعه کالبدی شهر را در بسیاری از جهات با مشکل مواجه می سازند در واقع بی توجهی به همین پدیده های ژئومورفولوژیکی و ایجاد ساخت وسازها در این مناطق موجب می شود که گاهی برخی از پدیده های غیر ژئومورفولوژیکی مانند زلزله با عوامل ژئومورفولوژیکی پیوند یابد و حوادث منخرب و غیر قابل جبرانی را به وجود آورد. از آنجایی که در عصر حاضر، روند توسعه شهرها و روند ایجاد شهرهای

جدید و اضافه شدن شهرک های به شهر او شتاب بیشتری گرفته است و گسترش اراضی شهری و برخورد آنها با عوارض ژئومورفولوژیکی مرتباً در حال افزایش است و از طرف دیگر، پدیده های ژئومورفولوژیکی پدیده هایی ثابتی نبوده بلکه بر عکس پدیده هایی هستند دینامیک و پویا، پویایی پدیده های ژئومورفولوژیکی ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با محیط اطراف و مناطق شهری داشته و در بسیاری از موارد مخرب و موجب ایجاد خسارات و تلفات زیاد می گردد. (اصغری مقدم، ۱۳۷۸ : ۱۴۴)

عامل اثرات مستقیم و غیر مستقیم در رشد بی رویه و ناموزون شهر در پی داشته است که پاره ای از اثرات منفی آن به قرار زیر است :

- ۱- بالا رفتن آمار مهاجرت و جذب جمعیت به شهر بر اثر واگذاری این گونه اراضی به قیمت بسیار پایین نسبت به دیگر مناطق شهر و در نتیجه، تحمیل بار جمعیتی به شهر .
- ۲- افزایش آمار حوادث و اتفاقات در اثر نامناسب بودن سطوح دسترسی از قبیل کوچه و گذر برای اهالی به خصوص در فصل زمستان با توجه به شیب تند منطقه .
- ۳- پدید آمدن دیگر مناطق حاشیه نشین در اطراف و حومه ی شهری و الگو قرار گرفتن این محله برای ایجاد این گونه مناطق .
- ۴- تحمیل جهت رشد فیزیکی شهر و عدم تحقق طرح های مصوب شهری .
- ۵- آشفته گی بافت های موجود و زشت شدن چهره ی کالبدی شهر بر اثر گسترش ساخت و سازهای بی رویه .
- ۶- عدم توجه به توپوگرافی منطقه و مخاطرات طبیعی آن با توجه به نوع و جنس ساخت و سازها و شیب زیاد منطقه که خود احتمال بالارفتن شدت خسارات وارده را بر اثر حوادث طبیعی و غیر مترقبه همچون سیل و زلزله افزایش می دهد .
- ۷- بالارفتن زمان و هزینه در اثر فاصله ی محل کار و محل سکونت .
- ۸- افت شدید درآمد شهرداری در اثر عدم پرداخت عوارض ساخت و ساز و هزینه های جانبی .
- ۹- ایجاد مشکلات اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی در اثر رشد بی برنامه ی شهر .
- ۱۰- افزایش سرسام آور قیمت اراضی در اثر عدم کنترل مناسب و بورس بازیهای اخیر .

۱۱- ایجاد مشکلات خاص برای مسئولین امور شهری خصوصاً در زمینه‌ی مشکلات حقوقی و خدمات رسانی و نیز به وجود آمدن مشکلات فراوان در صورت مناسب سازی کوچه ها و معابر محله .

❖ قطعاً موانع دیگری در این مسیر هست و هدف از طرح این موارد این بود که در حرکت رو به جلو در مسیر پیشرفت شهر پاوه بتوانیم جلوی پای خود را واضح تر ببینیم و با آگاهی و شناخت بیشتری قدم برداریم (ولدییگی برهان ؛ ۱۳۹۹).

منابع

- ۱- هاروی، دیوید (۱۳۸۷) شهری شدن سرمایه (چرخه‌ی دوم انباشت سرمایه در تولید محیط مصنوع)، ترجمه‌ی عارف اقوامی مقدم، تهران، نشر اختران.
- ۲- هاروی، دیوید (۱۳۹۵) از حق به شهر تا شهرهای شورشی، ترجمه خسرو کالنتری و پرویز صداقت، تهران، نشر آگاه.
- ۳- برنر، نیل، ماکوزه، پیتر، مایر، مارگیت (۱۳۹۶) شهرها برای مردم، نه برای سوداگری (نظریه شهری انتقادی و حق به شهر)، ترجمه‌ی محمود عبدالله زاده، تهران، نشر دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران
- ۴- رفیعیان، مجتبی، قاسمی، ایرج، نوذری، کمال (۱۳۹۸) تحلیل گفتمان عدالت فضایی در سند سیاستگذاری
- ۵- مدیریت شهری (مطالعه‌ی موردی: شهر تهران)، دو فصلنامه‌ی جغرافیای اجتماعی شهری، شماره‌ی ۶، صص. ۱۱۶-۱۴۱
- ۶- رهبری، الدن، شارع پور، محمود (۱۳۹۳) جنسیت و حق به شهر: آزمون نظریه لوفور در تهران، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی چهاردهم، شماره‌ی ۱، صص. ۱۱۶-۱۳۱.
- ۷- کاظمیان، غالمرضا و همکاران (۱۳۹۲) مدیریت شهری (جلد اول مبانی و حوزه‌ها)، تهران، تیسرا.
- ۸- کاظمیان، غالمرضا، میرعابدینی، زهره (۱۳۹۰) آسیب‌شناسی مدیریت یکپارچه شهری در تهران از منظر سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری شهری، نشریه‌ی هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، شماره‌ی ۳۶، صص. ۲۱-۲۱ .
- ۹- کاکرین، آلن (۱۳۷۸) سیاستهای شهری: رویکردی انتقادی، ترجمه عارف اقوامی مقدم، تهران، نشر آذرخش.
- ۱۰- کرسول، جان. (۱۳۹۱). پوشش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد روایت پژوهشی، پدیدارشناسی، نظریه داده بنیاد، قومنگاری، مطالعه‌ی موردی. ترجمه‌ی حسن دانایی فرد، حسین کاظمی، تهران: انتشارات صفار. ویرایش دوم
- ۱۱- گونواردنا، کانشیگا، کیفر، استفان، میلگرام، ریچارد، اشمید، کریستین (۱۳۹۳) فضا، تفاوت، زندگی روزمره خوانش هانری لوفور، مترجمان افشین خاکباز و محمد فاضلی، تهران، تیسرا.
- ۱۲- علی احمدی، علی رضا، میرعابدینی، زهره (۱۳۹۸) واکاوی فرایند سیاستگذاری عمومی در مدیریت شهری
- ۱۳- تهران (۱۳۹۷-۱۳۹۳)، فصلنامه‌ی سیاستگذاری عمومی، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۱، صص. ۷۵-۹۸
- ۱۴- ایراندوست، کیومرث، دوست وندی، میلاد (۱۳۹۴) حق به شهر و سکونتگاههای فقرنشین با تاکید بر سکونتگاه های خود انگیخته ی شهری در ایران، نشریه ی هفت شهر، شماره ی ۳۱-۱۰، صص. ۱۸۴-۲۰۴

۱۵- جلیلی، مصطفی (۱۳۹۴) تحلیل الگوی معاصر سیاستگذاری کالن شهر تهران، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران .

16- Kamanrudi, Moses. (2005). *Structural Barriers to the Management of Urban Development in Iran, [In Persian], Magazine Urban Websites, Number 13 and 14, pp 52-61.*

17- Madanian, gholamreza, Kajbaf, Hussein. (2011). *The local Government The Strategy of International Organizations, [In Persian], When Writing of a Don Rights*

18- Kamanrudi, Moses. (2005). *Structural Barriers to the Management of Urban Development in Iran, [In Persian], Magazine Urban Websites, Number 13 and 14, pp 52-61.*

19- Omidi, Ali. (2012). *Security and Development and Strengthening of Legitimate local Local Governments in Iran, [In Persian], Journal of Geographical Research, Year, 28, Number 111, pp. 113-126*

20- Tayebi, Ali (2013) *Planning activism : Using Social Media to calm marginalized citizens, Cities: 32, Pp: 88-93.*

21- Rob Shields (2013) *Lefebvre and the Right to the Open City?, Space and Culture*
22- Purcell, Mark. (2002). "Excavating Lefebvre: The right to the city and its urban politics of the inhabitant", *GeoJournal*, 58: 99-108.

23- Purcell, Mark. (2003). "Citizenship and the Right to the Global City: Reimagining the Capitalist World Order", *International Journal of Urban and Regional Research*, 27(3): 564-90

24- Purcell, Mark. (2013). "Possible worlds: Henri Lefebvre and the right to the city." *Journal of Urban Affairs* 36(1).

24- Purcell, Mark (2017): *Our Own Power to Act, Planning Theory & Practice*, DOI:10.1080/14649357.2017.1379787.

25- Harvey, David. (2008), "The Right to the City", *New Left Review*, 53: 23-40.

25- Islar , Mine & Ezgi Irgil (2018) *Grassroots practices of citizenship and politicization*

in the urban: the case of right to the city initiatives in Barcelona, Citizenship Studies, 506-491, 22: 5 DOI: 10.1080/13621025.2018.1477919. Ahmed, Jashim. Uddin. 2010. Documentary Research Method: New Dimensions. Indus Journal of Management & Social Science. Volume 4. Pp. 1-14.

26- Alison Brown (2010) *The 'Right to the City': from Paris 1968 to Rio 2010, pp: 1-8*
Marcuse, Peter. (2009) "From critical urban theory to the right to the city" *CITY, VOL. 13, NOS. 2-3, JUNE-SEPTEMBER, pp: 185-106, p: 189.*
<https://doi.org/10.1080/13604810902982177>.

27- Mitchell, D. (2003). *The right to the city: Social justice and the fight for public space. Guilford : New York.*

28-Purcell, Mark. (2002). "Excavating Lefebvre: The right to the city and its urban politics of the inhabitant", *GeoJournal*, 58: 99-108.

29- Purcell, Mark. (2003). "Citizenship and the Right to the Global City: Reimagining the Capitalist World Order", *International Journal of Urban and Regional Research*, 27(3): 564-90

30- Purcell, Mark. (2013). "Possible worlds: Henri Lefebvre and the right to the city." *Journal of Urban Affairs* 36(1)

31-. Purcell, Mark (2017): *Our Own Power to Act, Planning Theory & Practice*, DOI: 10.1080/14649357.2017.1379787.